روابط ایلخانان مغول
با دربار واتیکان

(بقیه از شمارهٔ ٤ سال چهارم)

بقلم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

علاء الدین آذری
(دکتر در تاریخ)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روابط ایلخانان مغول با دربار واتیکان[1]

بقلم
علاء الدین آذری
(دکتر در تاریخ)

الف- از هلاکو تا ارغون

دراین دوره روابط سلاطین مغول ایران یا ایلخانان با اروپائیان توسعه مییابد و زمینه برای عقد قراردادهای نظامی فراهم میگردد، علت اساسی گسترش این مراودات جنگهای مداوم ایلخانان با پادشاهان وامرای مصر وشام است که برای مغول شکست وناکامی ببارمی‌آورد و مانع ازتوسعه‌وبسط اقتداروقلمرو ایشان‌میگرددازاینرو کوشش میکنند که پاپها وپادشاهان اروپائی رادراین جنگها با خودهمداستان‌سازندوبیاری آنان حکومت های اسلامی مصروشام رابرانداازند.

منگوقاآن درسال دوم

۱- از ۶۵۱ تا ۷۳۶ هجری قمری

سلطنت خودبرادر کوچکترخویش هلاکورا مأموردفع اسماعیلیه وبرانداختن خلفای عباسی کرد وباونصیحت کرد که حامی مسیحیان باشد ربدون مشورت دوقوزخاتون زوجه مسیحی خود اقدامی ننماید .

هلاکو که مادروهمسرش مسیحی بودند بالشگریانیکه اکثرشان ازایلات مسیحی مغول یعنی اقوام اویغور ونایمان و کرائیت بودند دراواخرسال ۶۵۱ هجری قمری رهسپار ایران شد ، هلاکو شخصاً بودائی مذهب بود و چون درایران کسی نبود که پیرواین دین باشد [۲] لذابراثر نفوذ زوجه مسیحی خود نهایت کمك وهمراهی رادرحق مسیحیان ایران و ارمنستان مبذول میداشت وهمه جافرمان میداد که برای اینان کلیسابسازند .

نوشته اند که اردوی دوقوزخاتون هرجا که بودبردرآن ناقوس میزدند [۳]

محبت های هلاکو وهمسرش بعیسویان ایران بحدی بود که این جماعت خان مغول را ناجی خود دانسته ودرصددبرآمدند که ازقدرت وی جهت کمك به مسیحیانیکه درشام ومصر بامسلمین درحال جنگند استفاده کنند وآیین اسلام را یکباره ازآسیا وآفریقا براندازند .

شاید حمله هلاکو بشام و مصر بیشتر در نتیجه تحریکات مسیحیان ایران باشد .

هلاکو خان . سردارمسیحی ودلاور خود کیتوبوقا را مأمور فتح شام ومصر نمود . این سردار پس ازتصرف دمشق درسال ۶۵۸ هجری کلیه مساجد رابکلیسامبدل ساخت . اگرجسارت و کفایت امیرقدوز وفتح اودرعین جالوت [۴] نبود مغول آخرین پناهگاه اسلام یعنی فلسطین وآفریقای شمالی را مسخر مینمود وباپافشاری که درهمان ایام صلیبیون عیسوی درقلع وقمع ریشه مسلمین

۲ـ ر . ك به تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تااعلان مشروطیت تألیف عباس اقبال ص ۱۹۸

۳ـ همان کتاب ص ۱۹۸

۴ـ نزدیك شهردمشق پایتخت سوریه

داشتند دیگر مشکل بود که اسلام جانی بگیرد ودرمیان دودشمن متعصب و کینه‌ورز قدعلم کند [۵]

سیل هجوم مغول در مسیر خود بسد مقاومت مسلمین شام و مصر یعنی همان قدرت ومقاومتی که جنگجویان صلیبی راتارومار کرده‌وآرزوی‌دیرین وعمومی مسیحیان‌را دربارهٔ دست یافتن ارض مقدس (بیت المقدس) و بلاد و سرزمینهای اطراف‌آن نقش برآب کرده بود برخورد وهمین موضوع دربار خان بزرگ وسپس دربار ایلخانان ایران‌رابادستگاه‌پاپ ودربارهای‌مسیحی اروپا نزدیك ساخت وموجب شد که درتمام دورهٔ ایلخانان باب مکاتبه و راه دوستی واتحاد بین ایلخانان ایران‌وپاپ‌ها وپادشاهان مسیحی مفتوح باشد[۶]

مغول در عالم سیاست وسعت نظر داشت وفکرش محدود و کوتاه نبود گرچه چیزی ازتمدن غرب نمی‌فهمید ولی فهمیده بود که مناسبات وروابط باممالك اروپائی‌فایده دارد .[۷]

بعد ازشکست هلاکو درعین‌جالوت چنان‌عداوت وخصومتی‌مابین‌دولت ایلخانی‌ایران ومصریان ایجاد شد که جزاشتعال‌مجددآتش جنگ‌وخونریزی دوباره راه دیگری وجود نداشت . در این دوره هیچ تهمتی برای مردمان خطرناکتر وهولناکتر ازاین نبود که آنها رابداشتن روابط سری باسلاطین مصر متهم نمایند حتی رعایای مسلمان ممالك مغول خیلی بحزم و احتیاط میبایستی رفتار نمایند تامورد سوء ظن واقع نشوند .

ضعف وناتوانی هلاکوخان درمقابله بامصریان ویرا برآن داشت که با اروپائیان روابطی برقرار ساخته وباکمك‌آنان بنقشه‌های جاه طلبانه خود درآسیای غربی جامه عمل‌بپوشاند .

---

۵ ـ ر ـ ك به تاریخ مغول اقبال ص ۱۹۸ ـ ۱۹۹

۶ ـ ر ـ ك بکتاب تحقیق در بارهٔ دورهٔ ایلخانان ایران تألیف دکتر منوچهر مرتضوی ص ۷۷

۷ ـ ر ـ ك بکتاب تاریخ مختصر ایران از اول اسلام تا انقراض زندیان تألیف پاول‌هرن ترجمه دکتر رضازاده شفق ۱۳۱۴ ص ۷۱

پاپ نیز که ازشکست بزرگ هلاکو درجنگ بامصریان مستحضر شده بود درصددبرآمد که بفوریت خان مغول رابسوی خویش جلب نموده و با همکاری، اوانتقام شکست مسیحیان راازمسلمانان بگیرد.

درکلکسیون ادریك راینولد[۸] نامه‌ای از درباروا تیکان به‌هلاکوموجود است که‌بدون‌نام‌ونشان‌وتاریخ میباشد امامؤلف‌آنرا به‌پاپ‌الکساندر چهارم[۹] نسبت‌میدهد.

نامه‌منسوب به‌پاپ‌درسال ۱۲۶۰ میلادی‌بوسیله ژان کشیش‌مجارستانی[۱۰] بایران رسیده دراین نامه پاپ خشنودی ورضامندی‌خاطرخویش را از ایجاد روابط صمیمانه باهلاکو ابراز داشته‌است.

ایلخان‌ایران ضمناً باامپراطور روم‌شرقی (بیزانس) نیز روابط‌دوستانه‌ای برقرار ساخته بود.

هلاکو که درصددجبران شکست عین‌جالوت‌بود وبرای همین‌امر تدارك کافی‌دیده بودودرسال ۶۶۳ (۱۹ ربیع‌الاول) در کناررود جغتوی آذربایجان درحالیکه بیش از چهل وهشت‌سال نداشت جان سپرد وپس از وی فرزند ارشدش آباقا یا ابقا بپادشاهی رسید. **آباقاخان** ۶۸۰-۶۶۳ هجری‌قمری (۱۲۸۲-۱۲۶۵ میلادی) نیز مانندپدرش مذهب بودائی‌داشت ولی ازدواج‌وی بادسپینا مریم دخترمیشل‌پالئولوگوس[۱۱] (۱۲۸۲-۱۲۵۹) امپراطوربیزانس سبب‌شد که روابط صمیمانه‌ای با مسیحیان داشته‌باشد.

---

۸ - Raynold - Odoric نقل ازتاریخ مغول تألیف دوسون ص ۴۱۰ جلدسوم

۹ - Alexdndre IV (1254 - 1264) دربارهٔ‌این پاپ مینویسند که مردی صلحجو ومهربان ورحیم وعادل‌بود وی‌نسبت بخصایص چنگجویانه اسلاف خودرغبتی نشان نمیداد، دینداری را برسیاست رجحان میداد وبقول یکی ازوقایع‌نگاران فرانسیسکن، چون همه روزه شاهد کشمکش‌های موحش دائم‌التزایدی میان عیسویان بود دلشکسته ازجهان‌رفت.

10-Jean Hongrois

۱۱ - Michel Paleolgus میشل‌هشتم امپراطور قسطنطنیه ومؤسس‌سلسلهٔ پالئولوگ.

این دختر قبلا برای هلاکو نامزد شده بود ولی وقتی عروس را بشهر مراغه پایتخت اولیه ایلخانان آوردند هلاکو در گذشته بود .

آباقا این دختر را بعقد خود در آورد و بدین ترتیب داماد امپراتور بیزانس شد.

وصلت آباقا با دختر امپراطور روم شرقی وسابقه تربیتی که زیر دست مادرش دوقوز خاتون یافته بود روز بروز علاقه ومحبت ویرا نسبت بمسیحیان بیشتر کرد و روحانیون مسیحی در دربار او مورد توجه و احترام زیاد قرار گرفتند با اینحال آباقا هرگز از دین آبا واجدادی خود دست نکشید[۱۲] و کماکان بودائی مذهب باقی ماند .

پس از شکست عین جالوت بین ایلخانان ایران وسلاطین شام ومصر خصومت ودشمنی شدیدی بروز کرد که برای مسیحیان بسیار مسرت بخش و امیدوار کننده بود اینان از موقعیت استفاده کرده ودست بتحریکات دامنه داری برای ایجاد جنگهای مجدد بین پادشاه مغول وامراء وسلاطین شام ومصر زدند، آباقا آن عیسویان را وسیله پیش بردن سیاست خود در قبال مسلمین شام ومصر قرار داد وبتوسط آنها چندین بار با پاپ و سلاطین عیسوی مغرب درصدد ریختن طرح اتحاد برعلیه پادشاهان اسلام برآمد .

درسال ۶۶۴ هجری قمری (۱۲۶۷ میلادی) پاپ کلمان چهارم[۱۳] (۱۲۶۸–۱۲۶۵ میلادی) در جواب نامه‌ای که بخط اویغوری ازجانب آباقا باورسیده بود شرحی نوشت[۱۴] وتقاضا کرد که آباقا بزبان لاتینی بااو مکاتبه کند تا

---

۱۲ ـ رك به کتاب Histoire de Perce (Moeurs – Usages et coutumes) Dece Pays Racontés . A la Jeunesse Par Mme Laure Bernard ص ۲۱۴

۱۳ ـ پاپ کلمان چهارم Clment IV (کلمنت) یکی از مشهورترین پاپها بشمار میرود او در مبارزه با امپراطوران آلمان ، خاندان هوهنشتافن را بروز سیاه نشاند.

۱۴ ـ این نامه را پاپ در تاریخ ۱۲۶۷ میلادی در شهر ویتربو (Viterbo) در ۸۴ کیلومتری رم نگاشته بود .

فهم مضمون نامه او برای وی ممکن گردد [۱۵].

پاپ دراین نامه ازعملیات واقداماتی که برضد مخالفین خود انجام داده بود مطالبی برای ایلخان نوشت و بپادشاه ایران وعده داد که با کمك سلاطین عیسوی اروپا درجنگ برعلیه مسلمین ازاو جانبداری نماید.

دوسال بعداز این تاریخ نمایندگانی ازطرف میخائیل پالئولوگوس و آباقا درشهر بلنسیه[۱۶] باپادشاه آراگون[۱۷] ملاقات کرده واز اوخواستند که مطابق وعدهٔ پاپ باسایر سلاطین عیسوی همدست شود و برای دفع مسلمین لشگریان خودرا حاضر نمایند.

پادشاه آراگون باآنکه سالخورده بود تصمیم بجهاد گرفت ولی بعدها بصوابدید برخی ازامرای اسپانیا ازاین تصمیم منصرف شدوازخیانت مردم شرقی وبیرحمی مغول که اذهان اروپائیان راپر کرده بود، اندیشه کرد[۱۸].

آباقا درسال ٦٧٣ هجری قمری مطابق ۱۲۷٤ میلادی به تشویق پادشاه ارمنستان که مایل بآزادی و استخلاص بیت المقدس از چنگ مسلمین بود هیأتی شانزده نفری بفرنگستان اعزام داشت ریاست این عده را داوید نام کشیش برعهده داشت فرستادگان ابقا موقعی بحضور پاپ شرفیاب شدند که درشهر لیون مجمع مذهبی مهمی درشرف انعقاد بود.

باهر پاپ گرگواردهم[۱۹] (گریگوری ۱۲۷٦-۱۲۷۱ میلادی) نمایندگان ایلخان ایران درجلسات شورا حضوریافتند ودونفر ایشان که ناتار بودند باهر

۱۵ ــ نامه‌های پاپ به معمول آنزمان دربار واتیکان بزبان لاتین نوشته میشده و چون اهمیتی داشته است ومترجمی برای این زبان درمیان ایرانیان نبوده یادردربار واتیکان آنرا بزبان فارسی مخصوصی که رنگ بیگانگی خورده بود ترجمه میکردند و اصل ترجمه را بایران میآوردند ویامبلغان اروپائی درایران ترجمه میکردند (سعید نفیسی)

۱٦ ــ بلنسیه یا والانس از شهرهای اسپانیا.

۱۷ ــ آراگون ناحیه وسیعی از خاك اسپانیا است.

۱۸ ــ ر ــ ك به کتاب تاریخ مغول اقبال ص۲۰۳

19 - Gregoire X

پاپ تعمیدیافتند ،این تنها نتیجه‌ای بود که ازاین مأموریت حاصل شدچه‌با پیشرفت سریع وروزافزون مسلمانان وسست‌شدن عزم و اراده صلیبیون در آخرین دورهٔجنگهای صلیبی ،دیگر کسی بتقاضای آباقا خان درلشگر کشی بشام ومصر توجهی ننمود ، نامه‌ایکه اونوشته بود بنزد ادوارد اول پادشاه انگلستان (۱۳۰۷-۱۲۷۲ میلادی)فرستاده‌شد ولی ادوارد هم به‌عذر اینکه‌در آن‌حال نمی‌تواندلشگری برای‌استخلاص بیت‌المقدس بفرستد ازخودحرکتی ظاهرنساخت و فقط بارسال‌نامه‌ای برای‌آباقا اکتفا نمود مفاد این نامه‌بطور اختصار بقرارزیر است :

داوید کشیش بدربار مارسید و نامه‌هائی که‌برای پاپ و پادشاهان مسیحی‌داشت تقدیم‌نمود، این‌نامه‌هانشانهٔ‌تمایل شما بدین مسیح وتصمیم شما بکمك به مسیحیان ومکان مقدس درمقابل دشمنان مسیحیت می‌باشد.

ماازآن مقام ارجمند خواهشمندیم که‌نقشهٔ مقدس‌رااجرا نماید. [۲۰] درحال‌حاضر مانمیتوانیم‌راجع بتاریخ‌ورودمان بمکان مقدس و عزیمت مسیحیان بشما اطلاعات جامعی بدهیم زیرا هنوز دراین باب‌تصمیمی گرفته نشده. [۲۱]

٦ ژانویه ۱۲۷۸ میلادی [۲۲]

ازاین‌نامه بقول‌مؤلف‌تاریخ‌سیاست‌خارجی‌ایران [۲۳] سه‌مطلب‌مستفاد میشود

۱ــ درخواست مغولها برای اتحاد با اروپائیان و جلب مساعدت آنها

۲ــجواب یأس‌آورآنها که بکمك‌عوامل دیگرمغولها راوادار کرد که قبول

(۲۰) مقصود فتح بیت‌المقدس‌است.

(۲۱) ر. ك به کتاب‌تاریخ سیاست‌خارجی‌ایران تألیف‌دکتر کاظم‌صدرازص۳۷تاص٤٥

(۲۲) درتاریخ‌ایران سرپرسی‌سایکس‌مورخه ۲٦ ژانویه (۱۲۷٥) ۱۲۷٤ ذکرشده است ص ۱٤۰

(۲۳) دکتر جواد صدر

اسلام کنند.

۳- تغییرات عمده‌ای که درمدت کوتاهی درطرز حکومت مغولها ایجاد شد.

اوضاع سیاسی اروپا دراینزمان بکلی نسبت بگذشته تغییر یافته بود و دیگر آن اروپای سال ۱۲۵۰ نبود که برای سر کوبی مسلمین وتصرف مجدد سرزمین مقدس دنبال متحدین ویاران زورمنددرتفحص باشد. سلاطین اروپائی ازدنبال کردن جنگهای صلیبی بکلی منصرف شده بودند ودیگر مایل نبودند هیچگونه تعهدی را درقبال پاپ اعظم یادیگران برعهده گیرند قدرت مسلمین شام ومصر وضعف وناتوانی اروپائیان وبی فایده بودن جنگهای مقدس رابرهمه اروپائیان مسجل ساخته بود اما اباقاخان دست بردار نبود اوبتحریك مسیحیان مقیم دربارخود وحس کینه وانتقامی که از شکست پدرش درعین جالوت در نهادش رسوخ یافته بودمیخواست بهرطریقی که امکان پذیر باشد سراسر آسیای باختری وحتی افریقای شمالی راتصرف کرد اساس وپایه اسلام رادراین صفحات متزلزل سازد.

بهمین منظوردرسال ۶۷۵ هجری قمری (۱۲۷۶ میلادی) بار دیگر سفرائی بدربار واتیکان گسیل داشت پاپ ژان بیست ویکم[۲۴] (۱۲۷۷-۱۲۷۶) از نمایندگان ایلخان که دونفر بودند بخوبی پذیرائی کرد. مأموریت اینها هم مانند دیگران تشویق وتحریص مسیحیان بجهاد با مسلمانان برای گرفتن بیت المقدس بودوازطرف اباقاهمه گونه وعدهٔ کمك ومساعدت داده شده بود.

پاپ مانند گذشته ایشان را به‌نزد سلاطین فرانسه و انگلستان فرستاد سفرای مذکور که اصلا ازعیسویان گرجستان بودند ازطرف اباقاخان اظهار داشتند که اووقوبیلای قاآن[۲۵] مایلند که قبول دیانت عیسوی کنند.

24- Jean XXI

۲۵ - قوبیلای قاآن فرزند تولی خان وعموی اباقا بود وی دراینزمان امپراطور چین بود مارکوپولو جهانگرد معروف ونیزی سالها دردربار وی میزیست ودر سفرنامهٔ خود از شکوه وجلال دربار خاقان چین وخصائل نیکوی قوبیلای سخن ها گفته است.

پاپ برای تحقیق مطلب وتبلیغ آئین مسیح تصمیم گرفت که پنج نفر از کشیشان رابدربار مشرق بفرستد ولی چون درهمان اوان یعنی درسال ۱۲۷۷ میلادی وفات یافت تصمیم فوق درزمان وی عملی نشد.

نیکولای سوم[۲۶] (۱۲۸۰-۱۲۷۷ میلادی) پاپ جدید سال بعد نامه‌ای برای اباقا وقوبیلا نوشته وازمساعدت آنها درحق عیسویان سپاسگزاری نمودضمناً هیأتی پنج نفری از راهبان فرانسیسکن رابدربار تبریزوخانبالیغ[۲۷] اعزام داشت.

درسال ۶۷۶ هجری اباقاخان درمحل ابولستین[۲۸] ازقوای سلطان مصر، الظاهر شکست سختی خورد وقریب هفت هزار نفر از سپاهیان مغول بهلاکت رسیدند.

چون اباقا بمیدان جنگ آمد وآنهمه اجساد کشتگان مغول رامشاهده نمود بی‌اختیار گریست.

میرخواندراجع باین جنگ وشکست مغولان مینویسد:[۲۹]

«کفار تاتار رابه‌تیغ جهاد بگذرانیدند و مدتها وحوش وسور[۳۰] را از لحوم کشتگان درآن صحراجشن وسورحاصل بود وپادشاه مصرفتحنامه‌ها به اطراف واکناف دیاراسلام فرستاد وازآن فتح‌مبین، اولیاء دین سجدات شکر بجای آوردند.»

اباقانسبت بجاثلیق نصارای بغداد که یوحنادنها[۳۱] نام‌داشت کمال احترام را مرعی میداشت دنها بهمین سبب در آنزمان نفوذ فوق‌العاده‌ای کسب کرده بود.

---

26 - Nicolas III

۲۷- خانبالیغ - پکن یا پکینگ پایتخت چین

۲۸- ابولستین - ابلستان درمشرق قیساریه بین جبل‌تورووس وقسمت‌علیای نهرجیحان (خاك ترکیه) (نقل‌ازکتاب تاریخ مغول اقبال ص ۲۱۳)

۲۹ - جلدپنجم روضة‌الصفا

۳۰ - نسور جمع نسر (کرکس‌ها)

31 - Jean denha

درسال ۶۷۸ هجری قمری دونفر ازمسیحیان نسطوری[۳۲] چین بایران آمدند تا ازاین طریق به‌بیت‌المقدس برای زیارت بروند، یوحنادنها یکی از ایشانرا بخلیفگی چین انتخاب کرد و باو نام یهبلاهای سوم یا جبلها[۳۳] داد وچون یوحنادنها درهمین زمان وفات یافت بدستور اباقا یهبلاهای سوم بسمت رئیس‌مذهب نسطوری ایران تعیین گردید.

رئیس جدید مسیحیان ایران رفیق چینی خود را که بارصوما[۳۴] نام داشت‌بخلیفگی سرزمین اویغور نامزد کرد ولی بدستور اباقا بارصوما بعنوان سفیرایران مأمور کشورهای اروپائی شد. اباقاخان نامه‌ای به‌پاپ انوریوس چهارم (۱۲۸۷– ۱۲۸۵ میلادی)[۳۵] نوشت و برای جنگ با اعراب مسلمان تقاضای اتحاد وهمکاری ازاو و پادشاهان اروپا نمود ولی این بارهم مساعی وی دراین راه مثمرثمرواقع نگردید.

یهبلا های سوم پیشوای روحانیون مسیحی ایران خود شخصاً بادربار پاپ مکاتبه داشته وخواستار اتحاد واتفاق نصارای شرق وغرب بوده است از این روحانی بزرك دو نامه بزبانهای عربی وآرامی درموزهٔ واتیکان موجود است، تاریخ نامه‌ها سالهای ۱۳۰۲ و۱۳۰۴ میلادی است.

چهارسطرنامه اول و نامه دوم بزبان‌آرامی است[۳۶] که ترجمه‌آن بقرار زیراست :

۳۲- بانی طریقه نسطوری ، نسطوریوس Nestorius اسقف قسطنطنیه بود که‌در سوریه بدنیاآمد ودرسال ۴۲۸ میلادی بمقام اسقفی قسطنطنیه رسید بعضی بدعت عقاید افراطی‌اش (افراطیش) درانجمن مذهبی شهرافز Ephese ازمنصب خود خلع شد ودرحدود سال ۴۴۰ درصحاری لیبی درگذشت ــ نسطوریها معتقد بودند که مسیح دوطبیعت مجزا از یکدیگر داشته یکی انسانی ودیگری ربانی وحال‌آنکه یعقوبیان را عقیده برآن بود که این دوطبیعت درذات مسیح وحدت یافته است .

33- Vahballaha III

34- Barsuma ابن صوما ــ برصومه ــ رابان سوما

35- Honorius IV

۳۶- عالیجناب اسقف یوحنا عیسائی رئیس کلیسای کلدانی‌های کاتولیك تهران خطوط آرامی راترجمه کرده‌اند .

«بنام پدر و پسر و روح‌القدس ، یهبلاهای گوشه‌نشین (معتزل) که بافیض وعنایت مسیح جاثلیق ـ پطریارك ـ بطریق مشرق است دعاهای ترا التماس میکند و در راه خداوند ما موفقیت ترا خواهانست .»

معنای چهارسطر اول نامهٔ دوم جاثلیق بزرك ایران یهبلاهای سوم نیز مانند نامهٔ اول است بااین تفاوت که درحاشیه آن نام پاپ بندیکتوس (بنوای[۳۷] یازدهم ۱۳۰۴-۱۳۰۳) ذکرشده ومعلوم میشود که این نامه بعنوان وی ارسال شده است.

متن عربی هردو نامه درخصوص مسائل مربوط بآئین مسیح وتبلیغات مذهبی است از اب وابن و روح القدس سخن بمیان میآید ولی هیچگونه اشاره‌ای بروابط فیمابین دو کشور نمی‌نماید بنابراین ازترجمه آنها خودداری میشود . (عکس هردونامه درآخرمقاله بنظرخوانندگان محترم میرسد)

توجهی که اباقا بمسیحیان داشت و دربهبود وضع زندگی ومعیشت آنها میکوشیدونیزعداوت ودشمنی بامسلمانان مصروشام،مردم مسلمان ایران وعراق را بشدت ازاومتنفر ومنزجرساخت. بااینکه بعلت ترس ازمغول عکس‌العملی درمقابل اعمال اباقا ابراز نشد ولی باید گفت که شاید یکی از عوامل عدم موفقیت ایلخان مغول در دفع دشمنان خود وسرکوبی ایشان همین عدم اعتماد وانزجار عمومی نسبت باو باشد .

اباقاخان در سال ۶۸۱ هجری قمری درگذشت و برادرش تگودار که هفتمین پسرهلاکوخان بود بسلطنت رسیداین پادشاه درسنین جوانی برسم آئین مسیح تعمید یافته بود ونیکولا نام داشت ولی پس ازحشروآمیزش با مسلمانان باین دین علاقمند شد و اسلام آورد و احمد نام گرفت . بزرگان مغول که بیشتر بودائی یا مسیحی بودند از اینکاراو که لطمه بموقعیتشان میزد بی‌نهایت متنفرشدند، مخصوصاً اصرارسلطان احمد تگودار درمسلمان کردن مغولان وتبدیل بت خانه‌ها وکلیساها بمساجد برشدت تنفر و انزجار

مغول افزود و بقول مؤلف حبیب‌السیر [۳۸] «وظائف اطباء و منجمان نصاری و یهود را منقطع ودر تجهیز قوافل حاج وترتیب مایحتاج سلسله بیت‌اله بتأکید تمام احکام نافذ گشت».

امرا وبزرگان مغول چون این بدیدند خواستار روی کار آمدن ارغون خان فرزند اباقاخان بمقام خانیت شدند. تگودار چون مسلمان شده بود برخلاف سایر ایلخانان روابط صمیمانه‌ای با پادشاه مصر برقرار کرد واختلافات گذشته را تا حدی برطرف ساخت. کارهای تگودار همانطوریکه اشاره شد برای مغول خوشایند نبود و آنها را وادار بنوشتن نامه های متعدد بدربار قوبیلای قاآن امپراطور چین وبزرك خاندان مغول وشکایت ازاعمال ایلخان ایران نمود.

حکومت سلطان احمد تگوداراولین پادشاه مسلمان ایلخانی در نتیجه دو دستگی بزرگان دربار ودسیسه‌کاری شاهزادگان مغول دیری نپائید وبا کشته شدن وی در ۱۸ ربیع‌الاخر سال ۶۸۳ هـ - ق ارغون خان زمامدار ایران شد

ب - ازارغون تا پایان سلطنت ابوسعید بهادر

درزمان سلطنت ارغون خان (۶۹۰-۶۸۳ هجری قمری) (۱۲۹۱-۱۲۸٤ میلادی) روابط ایران و واتیکان توسعه‌بسزائی یافت وهیأت‌های متعددی بین طرفین مبادله شد و درباب اتحاد واتفاق با عالم مسیحیت برعلیه مسلمانان اقدامات مهمی صورت گرفت.

ارغون بااینکه بودائی مذهب بود تعلق خاطری نسبت به نصارا داشت ودست آنها را درامور مملکت باز گذاشته بود در نسخه خطی کتاب زینة - التواریخ [۳۹] راجع بارغون مطالبی بدین شرح مذکوراست :

۳۸- خواند میر (خواجه غیاث‌الدین‌همام الدین معروف وملقب بخواند میر بواسطه کتاب حبیب السیر یکی ازنامی ترین نویسندگان پارسی درسدهٔ دهم هجری است). (سعید نفیسی)

۳۹- جلد دوم صفحه ۵۲۵

«ارغون که زنگ کفر والحاد آئینه خاطـرش را تیره وتارداشت و چراغ بظلمتکدهٔ احوالش نتابیده بود در افروختن آتش شور و شر از همه بیشتر اصرارمی‌نمود.»

این پادشاه پس ازقتل وزیردانشمند وبا کفایتش خواجـه شمس‌الدین محمد جوینی صاحبدیوان ، وزارت را به‌سعدالدوله [۴۰] یهودی سپرد و بیش ازپیش مسلمانان را ازخود بدبین ومتنفرساخت. حتی مسلمین بیم‌آن‌داشتند که ارغون‌با کمك مسیحیان واشارهٔپاپ‌اساس‌وبنیان اسلام را واژگون‌سازد. دراینخصوص‌سرجان ملکم مینویسد[۴۱]

« در ایام وزارت سعدالدوله یهودی عیسویان را کار بالا گـرفت و کوکب اقبال مسلمین راجع گشت تا کار بجائی رسید که اهالی اسلام را در هیچ کـار معتبر مداخلت نماند بلکه حکم شد کـه در دربـار شاهی حاضر نشوندو چون پـاپای روم نکـولای چهارم سفرا بدربار ارغون فـرستـاد تا اظهـار امتنـان از عنـایات ایلخـان نسبت بـه پیروان دین مسیح نماید مؤمنین از این معنی برخویش لرزیدند که مبادا خـانهٔ مقدس کعبه‌راکلیسای نصاری کند اما فوت ارغون قطع بیم‌وامیدطرفین کرده وهنوز بدنش سردنگشته بود که گرم گرم خون سعدالدوله‌ریخته‌شد»[۴۲].

کتاب روضة الصفانیز بطور اختصار اشاره‌ای بموضوع فوق‌نموده‌است .

«سعدالدوله‌بی‌دولت باارغون مقرر کرد که کعبه را معبد اصنام سازد و اهل‌اسلام را تکلیف کند تا ازعبودیت ملك‌دیان بعبادت اوثان گرایند.»

ارغون اصولا بایرانیان مسلمان اعتماد واطمینان نداشت ازاینروهمواره

۴۰- سعدالدوله قبل ازرسیدن بمقام وزارت بتجارت اشتغال داشت ، در مقام جدید با موافقت ارغون‌خان اکثر قوم وخویشان خود را بمشاغل حساس مالی و کشوری منصوب نمود وی‌ازطبابت سررشته داشت وازاطبای معروف زمان خودمحسوب میشد .

۴۱- تاریخ ایران ص۱۳۹ ذکر سلاطین چنگیزیه

۴۲- ۶۹۰هجری قمری

درصدد بود که‌ازوجوداقلیت‌های‌مسیحی‌و کلیمی درادارهٔ امور مملکت‌خویش استفاده‌نماید.

چون درزمان سلطنت سلطان احمد تگودار تعدادی ازنماز خانه ها و کلیساهابدستور وی ویران‌شده‌بودارغون فرمان‌داد که کلیه کلیساهای‌ویران شده را ازنو بسازند وآنهائیکه احتیاج به‌تعمیر دارند مرمت‌نمایند.

ارغون خان بعلت علاقه‌شخصی بمسیحیان‌وتحریك و تشویق‌این‌جماعت که در دربار اومنزلتی تمام یافته بودند تصمیم به‌برقراری روابط دوستانه بااروپائیان علی‌الخصوص با دربار واتیکان گرفت.

ایلخان مغول‌بصوا بدید یهبلاها اسقف نسطوری ایران هیأتی رابریاست بارصوما[۴۳] کشیش اویغوری بدربارواتیکان اعزام داشت[۴۴].

اسامی اعضای هیات‌نمایندگی‌ایران‌غیراز بارصوما عبارت بودازسابادین آرخائون وتوماس آنفوزین و یکنفرمترجم بنام اوگت[۴۵].

دراین زمان نیکولای چهارم برمسند پاپی‌تکیه زده‌بود (۱۲۹۲-۱۲۸۸ میلادی) وبسیارشایق‌بود که پادشاه بودائی مذهب ایران مسیحی شودومدافع وفادار مسیحیان گردد، رفتار وسکنات ارغون و علاقه ای که به اقلیت های مسیحی داشت پاپ را تااندازه‌ای درراه وصول بمقصود امیدوارساخته‌بود.

درسال۱۲۸۸ میلادی نمایندگان ایران‌دردربارواتیکان‌نامهٔ‌پادشاه‌متبوع خودرا تسلیم‌پاپ نمودند پاپ نیز درتاریخ دهم آوریل همین سال نامه‌هائی برای ارغون خان ارسال داشت.

درنخستین نامه اولا از اعزام سفرا و مساعی آنان در راه اتحاد مغول و

۴۳- رابان بارصومایاساتوما که بزبان‌سریانی بمعنای معلم است

۴۴- ارغون‌خان بـا اونوریوس چهارم که مدت کوتاهی مقام پاپی داشت روابط صمیمانه‌ای برقرارکرده بود ودر نامه‌ایکه برای پاپ مذکور نوشت خاطرنشان کردکه نمایندگانش رابه‌فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا وشارل‌دانژو معرفی نماید ولی هنگـام ورود نمایندگان بدربار واتیکان نیکولای چهارم جای اونوریوس راگرفته بود. (عکس نامه ارغون‌خان که بدربار پاپ ارسال داشته‌است ضمیمه این‌مقاله‌است عکسهای شماره۸ و ۹)

45- Uguet

جهان مسیحیت اظهار تشکر و امتنان نموده ودرثانی راجع باصول و قوانین مذهب کاتولیك ونجات‌ورستگاری ابناء بشر درنتیجه فداکاری درراه‌حقانیت این‌آئین‌وپیشوای‌آن‌یعنی‌پسرخدا (عیسی) که‌بآسمانهاصعود کرده و رستاخیز وی که باعث نجات مؤمنین خواهد شد ونیز در مورد حواریون و سر دسته آنها سن پیرمطالب مبسوطی‌درنامهٔ خوددذکر کرده است ، ودرپایان نامه‌پاپ نیکولا ، ارغون خان را تشویق میکند که باپذیرفتن مذهب کاتولیك بسوی سعادت ورستگاری گام بردارد [۴۶] .

درنامهٔ دوم که آن‌نیز درتاریخ دهم‌آوریل نوشته شده پاپ میخواهد که بمحض رسیدن نمایندگانش بدربار ایران ، ایلخان با او در مورد آزادی ارض‌اقدس همداستان گردد وهرچه‌زودتر مسیحی شود وتعمید یابد تابدین ترتیب گروه‌بیشماری ازاتباعش ازوی پیروی‌نمایندوبسوی مسیحیت‌روآورند ارغون میتواند باگرویدن بآئین‌مسیح ازعذاب دوزخ برهدوسعادت‌جاودانی برای خود کسب نماید .

پاپ‌درهمین زمان نامه‌هائی‌برای دوشاهزاده‌خانم مغول باسامی‌الگاك[۴۷] وتوکتان[۴۸] که هردو مسیحی بودند ارسال داشت و از مساعی آنان در راه ترویج‌وانتشار مسیحیت‌تشکر نمود . نمایندگان اعزامی پاپ مرکب ازچند فرانسیسکن بودند که‌ریاست آنهارا ژون دومونت کوروینو[۴۹] برعهده‌داشت.

اعضای این هیأت قبلا مدت ده‌سال درمشرق زمین‌ودرسختترین‌شرایط به تبلیغ واشاعه دین عیسی مشغول بسودند وچون درسال ۱۲۸۹ میلادی بروم باز گشتندپاپ نیکولای چهارم که‌ازتجربیات واطلاعات‌وسیع آنان‌درخصوص مردم شرق وعقاید وآداب ورسوم آنها مستحضر شده‌بودبه کوروینومأموریت داد که‌بدربارارغون‌خان‌رود ونامه‌های ویرا تسلیم‌نماید.

۴۶- نقل از کتاب Histore des Mongol جلد چهارم تألیف دوسون

47- Elegag

۴۸- توکتان خاتون Touctan بیوه‌آباقا ومادرگیخاتوخان بود

49 - John de Monte Corvino

کوروینو با یارانش عازم دربار ایلخان ایران شد و پس از چند ماه به پایتخت ایران [۵۰] رسید و مورد پذیرائی دربار ایران قرار گرفت نمایندهٔ پاپ بعقیده مؤلف تـاریخ مغول [۵۱] پاپ را در نظر ارغون و درباریانش همچون خداوند و رهبر وپیشوای یگانه معرفی کرد وچنان کرد که تاتارهای ساده دل با آغوش‌باز ازمسیحیت استقبال کردند.

کوروینو کشیش متهور و ازجان گذشته واتیکان پس‌از اینکه درتبریز مأموریت خودرا بانجام رساند برای ترویج آئین مسیح راه‌خاور دور را در پیش گرفت و بکشور باستانی چین‌رفت ودر شهرهای‌بزرگ وپرجمعیت آن مملکت کلیساهای باشکوه بنانهاد. بطور کلی‌مفاد ومطالب‌بیشترنامه‌هائیکه پاپ‌در اینزمان بدربار ایران ارسال داشته همانطوریکه قبلا ذکرشدتشویق وتحریض ایلخان‌مغول و درباریان او بگرویدن بآئین مسیح‌است، دربعضی‌از این‌نامه‌ها پاپ مصراً از پادشاه ایران‌میخواهد که حامی وپشتیبان‌نمایندگان اعزامی‌او باشد و ازجان آنها درقبال دشمنان و بدخواهان حمایت کند

ارغون‌خان در پاسخ نامهٔ پاپ نامه‌هائی نوشت و آنرا به بوسکارل ـ دوژیزلف [۵۲] که از اهالی بندر جنوا [۵۳] بود سپرد تاهرچه زودتر بهمراهی عده دیگری از نمایندگان او بدربار پاپ برساند.

بوسکارل مأموریت داشت که شخصاً باطلاع پاپ برساند که قوای نظامی ایران آماده‌است که بیت‌المقدس‌را از چنگ‌مسلمین بدرآورد و دراین‌مورد حمایت و پشتیبانی پاپ و پادشاهان اروپائی را طالب است

پاپ بلافاصله بوسکارل راکـه حامل نامه هائی نیز برای ادوارد اول

۵۰ـ پایتخت ایران دراینزمان شهر تبریز بود

۵۱ـ دوسون ـ جلد چهارم ص ٦۹ ـ ۷۰

52 - Buscarelle de Jisulf

۵۳ـ ازبنادر معروف ایتالیا Genes

۱۳۰۷ – ۱۲۷۲ میلادی پادشاه انگلیس و فیلیپ لوبل[۵۴] (۱۳۱٤ – ۱۲۸۵ میلادی) پادشاه فرانسه بود بکشورهای مزبوراعزام داشت.

ضمناً پیشوای کاتولیکها طی نامه‌هائیکه بپادشاهان انگلیس و فرانسه نوشت‌تأکید و توصیه نمود که بدقت نامه‌های سلطان مغول را مطالعه کرده تصمیمات مفید و ثمر بخشی کـه برای ایلخان ایران امیدوار کننده باشد، اتخاذ نمایند. متن‌نامه پاپ از اینقراراست:

« وقتی که پسران عزیز ما نجیب‌زادگان آندره کـه قبلا زاگان نام داشت و در دربار مـا بوسیله کاردینال اوستی در راه خـدا تعمید یافته است و برادر زاده‌اش دومینیك که سابقا گرگی نامیده‌میشد وباسکارلوس‌دوزیزلفوس همشهری‌جنوائی وهمچنین موراسوس که فرستادگان ارغون‌پادشاه‌مشهورتاتارها و حـاملین پیشنهادات ونامه ها هستند بدربار شما رسیدند. تقاضا داریم که‌ازآنها بخوبی‌پذیرائی‌نمائید و چیزهائی را که از شما درخواست میکنند بدقت توجه نمائید و بسرعت کار آنها را روبراه نموده و اعزامشان دارید زیرا مادر بازگشت آنها میخواهیم که‌سفیر مخصوص وفوق‌العاده خود رابدربار پادشاه اعزام داریم: »

نامه‌ایکه ارغون‌خان بعنوان پادشاه فرانسه نوشته و ارسال داشته بود بزبـان مغولی و خط اویغوری بود کـه اکنون در آرشیو دولت فرانسه محفوظ است و ترجمه آن ازاینقرار است:

54- Philippe IV , lebel

« بقدرت خدای ابدی ، تحت توجهات وعنایات خاقان ارغون ، گفتهٔ ما : » پادشاه فرانسه ، بوسیله سفیر ، ماربا صوماساخورا بمن اطلاع دادی، وقتی که دستجات قشون ایلخانی بجنگ مصریان میروند ، عزیمت خواهید کرد تابماملحق شوید،خبرعزیمت شما برای مامسرت بخش و دلپسند بود .

من گفته‌ام که پیشنهاد کرده‌ایم که درراه خدادر آخرین ماه زمستان سال ۱۲۹۱ میلادی حرکت کنیم وجلوی دمشق موضع بگیریم ، در پانزدهم اولین‌ماه بهارا گر توقول بدهی و سپاهیانت را درموعد تعیین شده بفرستی خداوندبمارحمت‌میآورد وبیت‌المقدس را میگیریم ، من موسکریل [٥٥] لوکوروجی را بحضورت میفرستم که بتو بگویند که اگر توبرای‌ما سفرای دانائی بفرستی که بچند زبان صحبت کنند و برای‌ما پیشکش ها و تحفه‌ها و تصاویر رنگا رنگی از کشور فرانسه بیاورند ما آنها را با میل و رغبت خواهیم پذیرفت و بقدرت خداوند و اقبال خاقان نامه ما نوشته شد در کوندولن [٥٦] در ششمین روز اولین ماه تابستان‌سال گاو....»

وقتی بوسکارل وارد دربار فرانسه شد چون نامه بزبان مغولی بود هیچکس نتوانست از مضمون آن مطلع‌شود . دوسون [٥٧] مینویسد:

---

٥٥ ـ موسکریل همان‌پورسکارل است چون‌مغول اغلب‌بجای‌حرف ب حرف میم‌میگذاشت.

56 - Condaulen

٥٧ـ ر ـ ك به تاریخ مغول ص ۷۲ ـ ۷۳ جلد چهارم

«ارغون میداند که پادشاه فرانسه آماده‌است که باارتش خود باو ملحق شود تابرسر زمین مقدس تسلط یابند اگر شاه فرانسه باهمراهان خود بیاید ارغون بکمك‌او و پادشاه مسیحی گرجستان که دست‌نشاندهٔ اوست میتواند بیست‌هزار نفر سوار نظام وخیلی بیشتر ازاین تهیه و آماده سازدوچون‌برای پادشاه فرانسه و بارون‌هایش دشوار است که باتعداد کثیری اسب ازراه دریا و خشکی به بیت‌المقدس برسندلذا ارغون‌خان بیست‌الی سی‌هزار رأس‌اسب برای آنها خواه بعنوان پیشکش و خواه در ازای دریافت بهای مناسب تهیه خواهد نمود و همچنین ارغون قول میدهد که تعداد زیادی چهارپا وهمچنین غلات و سایر احتیاجات قشون‌را فراهم سازد.»

ازطرف دولت فرانسه بتشویق پاپ نمایندگانی چند بایران آمدند ولی اینهابه بهانه‌اینکه ارغون‌خان مسیحی نیست حاضر نشدند که در مقابلش زانو بزنند، بااینکه ایلخان چندین بار بوسیله افسران خود بنمایندگان فرانسه چگونگی اجرای مراسم و تشریفات درباری را تعلیم‌داده بود معهذا فرستادگان پادشاه‌فرانسه حاضر بانجام این‌مراسم نشدند ارغون‌خان‌بناچار آنهارادراین‌خصوص‌آزاد گذاشت ولی‌درنامه‌ایکه برای‌حکومت‌فرانسه‌نوشت تقاضا کرد منبعد اگر سفیری اعزام میدارند باوتعلیم دهند که‌همان‌تشریفات و احتراماتی‌را که برای دربارخودشان قائل‌میشوند دراینجانیز مرعی دارند.

نیکولای چهارم در تاریخ ۲۱ اوت ۱۲۹۱ میلادی نامه‌ای بارغون خان نوشت و باو اطلاع‌داد که بوسیله‌زاگان‌نامه‌های ویرا دریافت‌داشته‌وبرحسب تقاضایش ویرا بانگلستان وفرانسه فرستاده‌است دراین نامه باردیگرصریحاً ویرا بگرویدن بآئین مسیح وانجام غسل تعمید دعوت کرده است. پاپ ضمناً نامه‌ای برای اروك‌خاتون [۵۸] فرستادواز اینکه او مسیحی مذهب است اظهار خوشحالی و شادمانی نمود.

۵۸- اروك خاتون‌از نوادگان‌اونگ خان پادشاه قبیله کرائیت‌بود، این زن درتمام‌زندگی درکیش مسیحی سرمیکرد وهمیشه نزد اوکشیشی مسیحی بسرمیبرد، پسرش راپس ازغسل تعمید نیکولا نام نهاد درحالیکه اسم مغولی اوکاربا گاندا بود «Carbaganda».

بطور کلی درزمان سلطنت ارغون با وجود مبادلهٔ سفرا وارسال‌نامه‌های متعدد بین واتیکان وایران مساعی طرفین در اجـرای نقشهٔ تسخیر مجدد بیت‌المقدس وسر کوبی مسلمین مصرو شام عقیم ماند ولی توسعه و گسترش روابط سیاسی سبب ازدیاد نفوذ وقدرت روحانیون مسیحی درایران گشت با کوشش آنان واجازهٔ ارغون‌خان کلیسا های متعددی درایران ساخته‌شد .

ضمناً بعلت آمدو رفت زیاد نمایندگان اروپائی بدربار ایلخان‌ایران و توجهی که اینان‌بامتعه‌وکالاهای ذیقیمت شرق داشتند باب مراودات‌تجارتی بیش از پیش مفتوح گشت و شهر تبریز پایتخت ایلخانان یکی از بزرگترین مراکز بازرگانی آسیا گردید .

ارغون‌خان در سال ۶۹۰ هجری در گذشت‌وبرادرش گیخاتو که مردی عیاش‌و بقول مورخان قدیم فاسق وفاجر بود بایلخانی انتخاب شد .

درزمان سلطنت گیخاتو کتاب دیاتسرون [۵۹] بفارسی ترجمه شد نـام مترجم در کتاب ذکر نگردیده ممکن‌است نام او در صفحه اول کتاب کـه مفقود گردیده ذکرشده باشد با توجه بجدول رمزی که در حاشیه کتـاب ترسیم شده میتوان احتمال داد که مترجم‌آن عزالدین محمدبن مظفرمعروف بوده است . این شخص دردربار گیخاتو مقام‌ومنزلتی رفیع بدست‌آورده‌بودو همواره مورد‌توجه وعنایات ایلخان و وزیر اوصدرالدین زنجانی‌قرارمیگرفت

بطور کلی در زمـان گیخاتو وجانشینش بایدوخان [۶۰] بعلت قلت ایـام سلطنت وهرج‌ومرج و آشوب داخلی و بیکفایتی ایلخانان مذکـور فرصت برقراری روابط مجدد با اروپا حاصل نگردید .

بایدوخان با اینکه مسیحی نبود پیوسته در تـوسعه و پیشرفت آئین مسیحیت میکوشید با اینحال‌نسبت بمسلمانان بمهربانی‌وشفقت رفتارمیکرد وحتی برای دلجوئی ایشان فرزند خودرا برای‌اقامه نماز جماعت‌میفرستاد .

۵۹- یکنفر مسیحی سریانی‌بنام طاطیانوس اناجیل اربعه (لوقا - مرقس - یوحنا- متی)را درهم‌آمیخت وازآن کتابی تدوین نمود که دیا تسرون نامیده شد. دراین کتاب سعی شده‌است که با حذف‌مطالب تکراری، زندگی‌مسیح بطورکامل تشریح گردد.

۶۰- بایدوخان فقط ششماه حکومت کرد.

غازان‌خان فاتح بیت‌المقدس :

جلوس غازانخان بتخت سلطنت (۷۰۳-۶۹۵ هجری‌قمری-۱۳۰۴-۱۲۹۵ میلادی) که اسلام‌آورده ودراین‌دین تعصب میورزید آغازیك سلسله‌تحولات اساسی دراوضاع داخلی وروابط خارجی‌ایران بود .

دراینزمان بعلت فوت‌قوبیلای قاآن بزرگ خاندان مغول‌حالت‌اطاعت‌و فرمانبرداری ایلخانان مغول نسبت بدربار خانبالیغ بکلی از میان رفت و سلاطین مغول ایران استقلال یافتند .

بسبب گرویدن ایلخانان بآئین اسلام ، مسیحیان که تااین زمان‌همواره مورد توجه وعنایات دربار مغول بودند بیکباره موقعیت و اعتبار خود را از دست دادند . در کتاب جامع‌التواریخ [۶۱] رشیدی راجع به ازمیان برداشتن معابد وبت‌خانه‌ها مطالبی بشرح زیرمذکوراست :

غازانخان گوید «فرمود که پدرمن‌بت‌پرست بود وبرآن‌در گذشت‌وجهت خود بتخانه ومعبد ساخته‌وبرآن وقفی کرده بنام آن‌جماعت ومن‌آن‌بتخانه را خراب کردم »

در روضة‌الصفا منقول‌است :

«باطراف وجوانب مکتوبات ارسال نمود تا مجموع کلیسا های نصاری‌و دیرمجوس را که سالهای دراز به‌زر ودینار وجواهر شاهوار مزین و آراسته بود غارت کردند » .

دوسون [۶۲] مینویسد «که مأمورین غازان در موصل‌علاوه بر خرابی کلیساها ظروف مقدس‌را نابود کرده نه‌صلیبی ونه عودسوزی وحتی‌نه کتاب انجیلی که پوشیده از طلایا نقره بود باقی نگذاردند . »

ضمناً بدستورغازان دو کلیسای زیبارا که یکی متعلق به فرقهٔ یعقوبی و

۶۱- جلد دوم ص ۹۸۳ درحکایت هفتم (ابطال دین بت‌پرستی)

۶۲- رجوع به کتاب Histoire des Mongols جلد چهارم

دیگری بفرقهٔ نسطوری تعلق داشت بکلی نابود کردند [۶۳] بفرمان ایلخان مسیحیان ملزم بودند که باعلامت زنار یا وصله‌ای برلباس خود درمعابرظاهر شوند یهودیان نیز مجبور بگذاشتن کلاه مخصوص برسر بودند تا از مسلمانان تمیز داده شوند در شهرهائی که تعداد مسیحیان زیاد بود توهین واهانت نسبت‌بآنان باشدت بیشتری انجام‌میشد چنانکه دربغداد قوم نصاری جرئت خروج ازخانه‌را نداشتند فقط زنان مسیحی بعلت تشابه‌البسهٔ خود با مسلمانان میتوانستند درصورتیکه شناخته نشوند بآزادی در کوی‌و برزن‌رفت و آمد نمایند [۶۴] سرپرسی سایکس [۶۵] در مورد سختگیری غازان نسبت‌بمذاهب غیراسلامی‌میگوید که‌اگروساطت‌پادشاه ارمنستان ازمسیحیان تبعه‌ایران‌نبودتعدیل روش‌خصمانه‌سلطان‌مغول‌نسبت‌باین‌قوم‌ممکن‌نمیگردید.

غازان‌خان که‌درجنگ برعلیه مصریان بکمك ارامنه و گرجیان‌نیازمند بود اقداماتی را که‌علیه مسیحیان و یهودیان‌آغاز کرده‌بود متوقف ساخت و روش مدارا درقبال‌ایشان پیش گرفت وحتی جزیه را که مجدداً ازغیرمسلمین گرفته میشد لغو ساخت اما بودائیان را مجبور کرد که یا اسلام آورند و یا کشور را ترك گویند.

با وجودسختگیری وشدت عملی که ابتدا غازان نسبت بعیسویان از خود نشان‌داده بودمع‌الوصف روابط سیاسی ایران با دربار واتیکان‌وسلاطین اروپائی کماکان‌برقراربودحتی‌با وجود مسلمان‌شدن‌ایلخان همچنان پاپ‌های رم انتظارداشتند که‌بکمك‌پادشاه ایران دنیای مسیحیت را درپیکار با مسلمین به پیروزی وموفقیت رهنمون گردند. [۶۶]

۶۳ــ بفردولت قاهره ازهودالصلیب اعوادمنابر ساختند واز کلیساء سیاه کلیسان و صوامع مجوس معابد ومساجد اسلام برافراختنددریکدم هالمی ازعمه ضلالت وشرکت کفربنورصدق ایمان راه یافتند... نقل ازتاریخ وصاف ص ۳۲۴

۶۴ــرك به تاریخ مغول اقبال ص۲۶۰

۶۵ــرك به تاریخ ایران ص۱۵۵ جلد دوم

۶۶ــ دربار واتیکان ظاهراً اطلاعی ازمسلمان شدن غازان نداشت. (عکس‌نامه‌غازان‌خان که بدربار واتیکان فرستاده است ضمیمه این مقاله است عکس شماره۱۰)

دراینزمان صلیبیون درشام وفلسطین بعلت قدرت سلطان مصر ، الملك منصورسیف‌الدین‌قلاوون استحکامات ومواضع مهم خود رایکی پس‌ازدیگری ازدست داده‌وعقب نشستند.صلاح‌الدین خلیل‌پسر وجانشین قلاوون دنبالهٔ اقدامات پدر را درنابودی‌قدرت صلیبیون تعقیب کرد وپس ازچندی شهرهای مستحکم عکا وصیداوصور و بیروت را از ایشان پس گرفت وبکلی‌قدرت‌آنها را در این نواحی مضمحل ساخت .

غازان خان به پیروی ازهدفهای جاه طلبانه اسلاف‌خود تصمیم‌بلشکر-کشی بصفحات شام و فلسطین گرفت ودرسال ۶۹۹ هجری بشام حمله برد و بزودی موفق بفتح این‌ناحیه وسرزمین فلسطین گردید .[۶۷]

خبر پیروزی وموفقیت ایلخان ایران برممالیك مصرانعکاس مطبوعی در اروپا داشت وپاپ وپادشاهان وامرای مغرب زمین را غرق شادی و شعف نمودآنها سالهابود که‌مرتباً دچارشکست‌وناکامی‌درمبارزه بامصریان‌میشدند بنا براین فتح مجدد اماکن مقدس که زادگاه مسیح و زیارتگاه میلیونها عیسوی‌جهان بودآنهم بوسیله سلطان‌مغول که‌ایشان ویرا مسیحی‌می‌پنداشتند واقعاً مسرت بخش بود .

دربار واتیکان‌وسلاطین‌اروپائی‌بلافاصله‌پس‌ازوصول‌خبر فتح‌بیت‌المقدس مصمم شدند که با تشویق‌وترغیب ایلخان به ادامهٔ این پیکاربکلی ریشه‌نفوذ واقتدارمصریان را درفلسطین براندازند وبدین ترتیب انتقام ناکامیهای خود را در مبارزهٔ با ممالیك مصربوسیله‌قوای مغول بگیرند .

غازان‌خان نیزبا وجودتعصب در دین اسلام برای تکمیل فتوحات‌خویش دربلاد شام وفلسطین مایل‌بایجاد روابط دوستانه با اروپائیان بود وهمکیشی با مصریان مانعی درراه مقاصد وی‌ایجاد نمیکرد این‌مطلب برای پاپ وسایر سلاطین اروپا این شبهه را بوجودآورد که ایلخان باطناً تعلق خاطری بدین اسلام ندارد وممکن است باندك تشویقی تغییرآئین دهد .

۶۷- البته بعلت هجوم مغولان جغتائی غازان بناچار نواحی‌مفتوحه را رها کرد و مصریان باردیگر آنهارا باشغال‌خود درآوردند.

سرجان ملکم مینویسد : [۶۸]

«غالباً محرران فرنگستان را عقیدت این‌شد کـه غازان در دیـن اسلام استوار نبود وجنگهائی‌هم که علی‌الاتصال با سلاطین مصر داشت که در آن‌ایام ایشان حامی‌دین پیغمبر عرب بودند تأیید عقیده ایشان را نمود لکن‌محرران اسلام درصدق عقیدت ورسوخ ارادت غازان‌خان شک ندارند » .

پاپ‌بونیفاس‌هشتم(۱۳۰۳-۱۲۹٤میلادی) که‌آرزوداشت یکباردیگرارض اقدس یا کعبه مسیحیان بوسیله ایلخان مغول مستخلص گردد و بقوم نصاری واگذار شود سلاطین‌اروپا را باعزام سفرا وارسال نامه‌های‌محبت‌آمیز بدربار تبریز تشویق‌میکرد .[۶۹] لکن در آن‌ایام‌اروپائیان‌بعلت گذشت‌زمان وتجربیاتی که ازمحاربات صلیبی کسب کرده بودند هیچگونه عکس‌العمل مساعدی در مقابل پیشنهادات وخواسته‌های پاپ ازخود نشان نمیدادند واصولاسر گرمیها واشتغالات داخلی بآنان فرصت ومجال توجه باینگونه مسائل را نمیداد .

جیمز دوم پادشاه آراگون در رمضان سال ۷۰۰هجری قمری (مه۱۳۰۰ میلادی)نامهٔ‌سراسر تحسین وتهنیتی‌بوسیلهٔ سفیرخودموسوم به‌پیرسولیورو[۷۰] که‌ازبورژواهای‌بارسلون[۷۱] بودبایران فرستاد ودرآن‌نامه‌خاطرنشان‌ساخت اتباع او حاضرند پابه پای عساکر ظفر نمون ایـران در راه‌آزادی فلسطین بجنگند وتا پای‌جان‌دراین‌راه استقامت کنند ، ضمناً ازغازان‌خان درخواست کرد که اولا از زوارآراگنی که برای‌زیارت اماکن مقدسه بفلسطین‌می‌آیند مالیات‌وخراجی گرفته‌نشود ودرثانی یك‌پنجم ازاراضی مقدسه‌را که‌ازمسلمین گرفته است به مسیحیان واگذارنماید .

۶۸ــ رك به تاریخ ایران ص۱٤۱ ذکرسلاطین چنگیزخانیه

۶۹ــ درموزه واتیکان نامه‌ای ازغازان بزبان مغولی وبخط اویغوری موجود است که‌برای پاپ بونیفاس هشتم ارسال شده است. تاریخ نامه سال ۱۳۰۲ میلادی است.

70- Pierre Solivero

71- Barcelonne

معلوم نیست که غازان‌خان به‌تقاضای پادشاه آراگن چه جوابی داده‌است ولی‌میتوان گفت که‌ایلخان ایران بی میل نبود که درصورت فتح اماکن‌مقدس قسمتی‌از آنرا بمسیحیان‌واگذار نماید تامراسم‌مذهبی‌خود رادر کمال‌آسودگی وآسایش انجام دهند . ایلخان بزرگ ایران با دربار انگلستان وفرانسه نیز روابط سیاسی‌برقرار کرده بود وسفرای‌اوبحضور ادوارد اول پادشاه‌انگلستان رسیدند ونامه‌های سلطان متبوع خود را تسلیم نمودند ادوارد نیز سفیری بنام جوفری‌دولانگلی[۷۲] بهمراهی دوتن ازرجال دربارخود بایران فرستاد و نامه‌ای نیز برای‌خلیفه مسیحیان مشرق ارسال داشت[۷۳]

بیعلاقگی سلاطین اروپا بمسائل مشرق‌و کم‌قدرتی پاپ دراین‌زمان که دیگر آن‌نفوذ کلام سابق را نداشت و نیز شکست بزرگ غازان درسال ۷۰۲ هجری‌درمحل‌مرج‌الصفر[۷۴] ازسپاهیان سلطان مصرالملك‌الناصر ومتحدینش کلیه‌اقداماتی‌را که‌درطریق‌اتحاد واتفاق‌دول‌اروپا وپاپ با دولت ایلخان‌ایران انجام شده بود بی‌ثمر ساخت .

قیصر روم شرقی که دراینوقت‌آندرونیك پالئولوگ نام داشت از تهاجم ترکان عثمانی به‌قلمرو حکومت خویش بیمناك شده وازغازان کمك خواست ولی درگذشت ایلخان مانع از همراهی وی نسبت بدولت بیزانس گردید .

بااینکه سلطان محمود غازان چندان رعایت حال مسیحیان کشور خود را نمیکرد معهذا درگذشت او درسال ۷۰۳ هجری قمری‌برای مسیحیان که امید بسیاری باو در مبارزه با ممالیك مصر بسته بودند تأسف و اندوه بسیار آورد.

72-Geoffre de Langley

۷۳- طومار یااوراق سیروسیاحت آنها موجود است ونیزصورتی راجع بمخارج و مصارف آنهاکه ازجمله خرید ظروف نقره، خرقه خز وفروش قالی میباشد باتیمانده آنها از راه جنوابه طرابوزان وتبریز سفر کرده ودربرگشت به میهن خود یك پلنگ زنده که در قفس بوده است باخودآورده وغیرازاین چیزی راجع بسفارت‌وماموریت‌شان دردست نیست.ر.ك‌به تاریخ ایران سرپرسی سایکس ص۱۶۰

۷۴- مرج‌الصفر نزدیك شهردمشق پایتخت سوریه.

سرجان ملکم [۷٥] دراین باره اشاره میکند.

« مؤلفان غرب برفوت غازان افسوس میخورند ازاین سبب که عماد ملت وسناد مذهب عیسوی ویرا دانند لکن گویا این افسوس بجهت این باشد که او آخر سلطانی بود ازایران که علی‌الظاهردراسترداد فلسطین مایل‌بمعاونت پیروان صلیب بود.»

سلطان محمد خدابنده الجاتیو [۷٦] وپاپ کلمان پنجم [۷۷]

ایلخان جدید فرزند ارغون وبرادر کوچك غازان بود وچون مادرش از قبیله مسیحی کرائیت بود درسنین طفولیت مطابق آئین مسیح تعمید یافت ونیکولا نام گرفت.

الجاتیو پس از مرگ مادر بعلت‌ازدواج بازنی مسلمان ، باسلام متمایل شد و براثر تشویق روحانیون حنفی خراسان شعبه حنفی مذهب تسنن را پذیرفت، بعدها در نتیجه نفوذ و قدرتیکه علمای شیعه در دربار او بدست آورده‌بودند به‌اصرارآنها شیعی مذهب گردید و تا آخر عمر را دراین کیش بسرآورد .

الجاتیوشهرسلطانیه را ساخت وآنرامقرحکومت‌خود قرارداد. نوشته‌اند که بعلت گذشت و اغماضی که این پادشاه درحق اقلیتهای مسیحی از خود نشان داد در زمان او قریب ۲٥ کلیسا درسلطانیه برپاشد وبدستور پاپ ژان سیزدهم شهرسلطانیه مرکز اسقف‌نشین دومینیکن‌ها درآسیای‌غربی انتخاب گردید [۷۸] سلطان محمد خدابنده پس از فتح گیلان که مدت طولانی اوقات وی مصروف آن شد تصمیم گرفت به بلاد شام و فلسطین لشکرکشی کند ، مسیحیان ارمنستان وجزیره قبرس نیز شاه را باین‌کار تشویق میکردند، وی

۷٥ـر.ك به تاریخ ایران ص۱٤۲

۷٦ـ الجاتیو کلمه‌ای مغولی‌است بمعنای آمرزیده. پادشاهی سلطان محمد خدابنده الجاتیو از۷۰۳ تا ۷۱٦ هجری قمری (۱۳۱٦-۱۳۰٤ میلادی)

۷۷ـ برتران دوگت، کلمان پنجم دوره‌پاپی از۱۳۰٥ تا۱۳۱٤ میلادی

۷۸ـ شهرپکن یا خانبالیغ مرکز اسقفان فرانسیسکن درآسیای شرقی‌بود

برای نیل به‌پیروزی قطعی خیلی‌مایل بود که ازحمایت پاپ وسایر پادشاهان وامرای مقتدر اروپائی بهره‌مند گردد بنابراین در زمان سلطنت این پادشاه هم مبادلهٔ سفرا و نمایندگان سیاسی ومذهبی‌وارسال مراسلات کمافی‌السابق برقرار بود.

الجایتو در سال ۷۱٤ هجری (۱۳۰۷ میلادی) سفیری بنام توماس ایلدوچی [۷۹] را بانامه‌هائی که درمحل اوجان بخط اویغوری نوشته شده‌بود مأمور فرنگستان کرد دراین نامه سوابق‌روابط‌ایرانیان با اروپائیان واتحاد واتفاق‌آنان برعلیه سلطان مصر بازگو شده بود . . .

الدوچی نخست بفرانسه رفت و بخدمت فیلیپ لوبل پادشاه این کشور رسید وپس ازدوسال اقامت در این مملکت باتفاق مردی موسوم به مملاخ [۸۰] عازم انگلستان گردید و درشهر نارتمپتون بنزد پادشاه انگلیس ادوارد دوم رفت ونامه‌ای را که بعنوان ادوارد اول نوشته شده بود بوی تسلیم‌نمود [۸۱]

ایلدوچی ومملاخ پس از دریافت جواب نامه در تاریخ ۱٦ اکتبر سال ۱۳۰۷ ازانگلستان روانه ایتالیا شدند.

دوسون مؤلف تاریخ کبیر مغول دربارهٔ سیاست و روش محیلانه توماس ایلدوچی خاطرنشان‌میسازد که وی در تمام مدت توقف خود دراروپا مذهب پادشاه متبوع خود را پنهان داشت و همه جا وانمود میکرد سلطان محمد خدابنده مانندوران کود کی خود، مسیحی‌باقی مانده وباین کیش فوق‌العاده علاقمند است [۸۲]، این موضوع برای پاپ کلمان‌پنجم وسایرین که امید تسخیر مجدد اماکن مقدسه را در مخیله داشتند امیدوار کننده بود ، بیشتر از همه

۷۹- نام این‌سفیر را تومان یا توماس‌ایلدا کی نیز ذکر کرده‌اند که معنای آن گیرنده شمشیر یا کسی که شمشیر دردست دارد میباشد.

80- Mamlakh

۸۱- ادوارد اول‌اندکی‌پیش ازورود سفرای ایران‌بدرود حیات گفته بود.

۸۲- شاید بدستور الجائیو که مایل بجلب کمك اروپائیان درجنگ بر علیه امرای شام و مصربود بدینکارمبادرت ورزیده باشد

پاپ علاقمندبود که باپادشاه بظاهر مسیحی مشرق زمین دوستی ومودت گذشته را تجدید نماید.

در تمام نامه‌هائیکه از پاپ کلمان پنجم (مورخ مارس ۱۳۰۸) وادوارد دوم پادشاه (مورخ ۳۰ نوامبر ۱۳۰۷) وفیلیپ لوبل موجوداست صریحاً خدابنده را باتحاد واتفاق برعلیه مسلمانان و نابودی آئین محمدی دعوت کرده‌اند.

ترجمهٔ متن نامه پاپ را که درتاریخ اول مارس ۱۳۰۸ ازپواتیه[۸۳] برای سلطان محمد خدابنده الجاتیو ارسال داشته است عیناً از کتاب تاریخ مغول دوسون نقل مینمائیم :

«مابا کمال خوشوقتی ، سفیرشماتوماس ایلدوچی را که حامل نامه‌هایتان برای ما بوددردربار روحانی خودپذیرفتیم وبادقت بسیار محتویات ومطالب نامه‌هارا مورد بررسی قرارداریم، آنچه را که دراین نامه‌ها نوشته شده‌بود و آنچه را کـه نماینده شما برای ما بیان کرد با کمال خرسندی و رضامندی می‌پذیریم .

پیشنهاد کرده‌بودید که‌بشما درراه آزادی واستخلاص مجدد بیت‌المقدس کمك و مساعدت کنیم ونوشته بودید که حاضرید دویست هزار رأس اسب و دویست هزار بار گندم در ارمنستان آمـاده نگهدارید تا هنگامیکه قشون مسیحیان بآنجامیرسند ازآنهااستفاده کنند وضمناً خودتانهم ازایران بایکصد هزار سوار نظام برای کمك و مساعدت مسیحیان جهت بیرون راندن قوای دشمنان ازبیت‌المقدس آماده حرکت میباشید .

ماپیشنهادات شما را بانهایت خشنودی می‌پذیریم ، درواقع خواسته‌ها و نظرات شما باعث قوت قلب ما شده است همچون غذائی روحی و معنوی مـا تصورمیکنیم که‌سفیر شمامانند فرشته‌ای ازجانب فرشته دیگری مانند خود تعهد کرده‌است که مانندآباکوك به‌دانیل[۸٤] که درقفس شیران محبوس است

۸۳- پواتیه واقع‌درخاك فرانسه

۸٤- Daniel دانیل یادانیال یکی ازچهارپیامبربزرگ بنی‌اسرائیل بود (قرن هفتم قبل‌از

بقیه در صفحه روبرو

غذای مقوی برساند البته شما برای ما غذائی شیرین‌فرستاده‌اید و مارا با چنین همراهی ومساعدت پرافتخاری امیدوار ساخته‌اید.

در خصوص این‌مسأله بابرادران‌خود مذاکره ومشاوره کردیم وموضوع آزادی بیت‌المقدس را بانهایت دقت وموشکافی‌مورد مطالعه قراردادیم.

ما بین تمام آمال وآرزوهایمان ،آنچه همواره فکرو اندیشه ما را بخود معطوف کرده اینست که ببینیم باموهبت الهی زمینی که پاهای خداوند ما (عیسی)آنرا لمس نموده است بر گردد به‌پرستش و دیانت مسیح.[۸۵]

معهذا تصور میکنیم (عقیده ما چنین است) که باید با توجه ودقت‌هرچه تمامتری وسایلی را که بتواند این منظور خیرخواهانه و مقدس را به نتیجه مطلوب برساند در نظر گیریم .

ازاین‌جهت ما و برادران ،دقت خواهیم کرد که این موضوع موردمشاوره دقیق قرار گیرد .

و امیدواریم که ، بایاری باریتعالی تاآنجائی که درتوانائی داریم بآنچه که خدا بر ما الهام میکند جامه عمل بپوشانیم وقتیکه فصل مناسب برای گذشتن از دریا فرارسد ما کوشش خواهیم کرد که بوسیله نامه یاچاپاربشما اطلاع دهیم تا شما خود را برای چنین اقدام بزرگی که ذات والای شماوعدهٔ آنرا بما داده استآماده ومهیا سازید .

اما شما باایمان واعتقادراسخ‌بسوی مسیحیت روبیاورید[۸۶] که درحقیقت

بقیه از صفحه مقابل

میلاد) اودسته‌ای ازجوانان اسرائیلی را ببابل تبعید کرد، وی مورد توجه و عنایت پادشاه بابل نبوکد نصروجانشینش Evilmerodach قرارداشت این امرحسادت مغان بابل را بر انگیخت آنهاشاه را وادار کردند که دانیل‌را بقفس‌شیران بیندازدولی‌فردای روزبعددانیل‌را صحیح وسالم یافتند (تورات) درادبیات معمولا موضوع دانیل وقفس‌شیران را برای کسانی که ازمهلکه بطورمعجزه‌آسائی جان بسلامت برده‌اند بعنوان‌مثال‌وشاهد میآورند. نقل‌از «Petit - Larousse Illustre».

۸۵- بیت‌المقدس بمسیحیان تعلق گیرد...

۸۶- این مطلب میرساند که پاپ درمورد مسیحی‌بودن الجایتوبدیده شك وتردید مینگرد

راه زندگی و تقوی است ، از او وحکومت روحانی او پیروی کنید ،با کمال قوت و استحکام در تصمیم قابل تمجیدی که در مورد بیت‌المقدس گرفته‌اید پابرجا و استوارباشید .

بکوشید در این خصوص و مسائل دیگرمربوط بآن ، تاسرزمینی راکه عیسی (نجات دهندهٔ)آنرا تحسین وتمجید کرده‌است بدست‌آورید تادرنتیجه از عیسی مسیح حصه بزرگی از سعادت و لذات‌آسمانی و افتخار و سربلندی دراین دین کسب نمائید. ما و مرکز روحانی ما ازکامیابی‌ها و افتخاراتی که نصیب شما خواهد شد شادمان و خرسند خواهیم گشت . .

☆☆☆

پاپ در نامه دیگری که برای اولجایتو نوشته است ابراز خرسندی مینماید که نیکولا[۸۷] به تعمیدی که یافته است وفادار بماند و فرایض دینی خود را مانند دیگرمسیحیان انجام دهد .

ضمناً باو اندرز میدهد که روش و شیوهٔ زندگی خود را تغییر ندهد و در این مورد ازکسی ترس و واهمه نداشته باشد ، سپس اصول‌آئین مسیح را مفصلا برای وی تشریح نموده و درپایان نامه در مورد لباس و غذای دو برادر روحانی که مأمورند نامه‌های او را بایلخان برسانند توصیه و سفارش میکند .

لازمست که باین نکته اشاره شود که در تمام دورهٔ سلطنت ایلخانان برایران پاپ‌هاهمیشه واسطه ارتباط سلاطین اروپائی باایران بوده‌اند واصولا در آندوره سلاطین مشرق زمین شأن و مقام و منزلت پاپ را مافوق سلاطین دیگر اروپایی تصور کرده و ریاست و سیادت ایشان را برسایرین مسلم می‌دانستند .[۸۸]

باوجود علاقه و میل وافری که پاپ باتحادباالجایتوبرعلیه مسلمین مصر و شام داشت ، بعلت تمرد و عدم اطاعت سلاطین اروپائی از وی عقد قرار داد

۸۷- نام کودکی الجایتو

۸۸- این امر دربعضی ازدوره‌هاکاملا صادق بود .

اتحاد فیمابین ایلخان ایران و اروپائیان ممکن نگردید و روابط دیپلماسی جز از حدود مبادلهٔ نامه و تعارفات جاریه تجاوز ننمود.

باید توجه‌داشت که سلاطین اروپا ازجنگهای صلیبی درس عبرتی گرفته بودند و کاملا این امر برآنها مشتبه شده بود که هرگز نخواهند توانست برسپاهیان جنگ‌آزمودهٔ مسلمان که از امکانات بیشتری برخوردارندبرای همیشه فایق آیند. از طرفی خصومت‌ها و رقابت‌های دائمی این سلاطین که بالاخره منجربجنگهای داخلی دراغلب ممالك اروپائی شد اصولا مجال‌توجه بمشرق‌زمین و ادامه مبارزات صلیبی را نمیداد، بدین سبب مساعی پاپ که خود او در اینزمان از قدرت و شوکت گذشته بهره‌ای نداشت نتوانست بار دیگر تعصبات‌آنها را به‌غلیان‌آورده وباعث ایجاداتحاد نظامی بامغول‌برعلیه مسلمین گردد.

در زمان سلطنت سلطان محمدخدابنده روابط بازرگانی ایران با اروپا توسعه‌فراوانی یافت، شهرهای تبریز و سلطانیه اهمیت بسزائی کسب کردند.

در اینزمان یکی از روحانیون معروف مسیحی که از فرقه فرانسیسکنها بود موسوم به ادوریك[۸۹] برای سرکشی و تفتیش کلیساهای ایران و سایر کشورهای‌آسیائی دربین سالهای ۷۱۶تا۷۱۸ هجری بایران‌آمد وپس‌ازانجام مأموریت خود در این کشور به‌هندوچین‌مسافرت نمود و از مراکز دینی‌این نواحی بازدید کرد و نتیجه‌مشاهدات و مطالعات خود را که ره‌آورد جالبی بود درسفرنامه‌ای انتشار داد، سفرنامه وی بسبب مطالب مفیدی که دربارهٔ اوضاع واحوال ایران این زمان در بردارد دارای ارزش بسیاری است.

ابوسعید بهادر و پاپ ژان۲۲

ابوسعید بهادرخان (۷۳۶-۷۱۶قمری، ۱۳۳۵-۱۳۱۶میلادی) در سنین جوانی پس‌از مرگ پدر بپادشاهی رسید بااینکه مسلمان بود ولی فاقدتعصب

89- Odorich - Odorichus

بود اقلیتهای مذهبی بآسودگی‌میزیستند ، در تمام مدت سلطنتش فقط‌یکبار تحت تأثیر بعضی ازروحانیون متعصب ومغرض دستورتعطیل چندین کلیسا را در مملکت داد.

درزمان سلطنت این پادشاه سلطان مصر که‌الملك‌الناصرنام داشت‌دستور حمله بارمنستان را صادر نمود . امرا و سرداران وی درسال ۷۲۰هجری‌قمری شهرسیس پایتخت کیلیکیه راغارت کرده‌وتصمیم‌باشغال‌سرتاسرخاك‌ارمنستان گرفتند لئون پنجم پادشاه خردسال ارمنستان و اتابك او چون کار را برین منوال دیدند بلافاصله نامه‌ای به‌پاپ ژان بیست‌ودوم (۱۳۳٤-۱۳۱٦)نوشته و از او در قبال حملهٔ مهاجمان مصری کمك خواستند .

پاپ چون‌بی‌توجهی سلاطین‌اروپارا که‌مشغول جنگ وستیز بایکدیگر بودند مشاهده کرد بناچار برای دلگرمی لئون نامه‌ای باو نوشت واظهار داشت که خود بشخصه قوائی‌تهیه کرده وبیاری‌وی خواهد شتافت، این‌خبر وقتی بگوش سلطان مصر رسید برشدت حملات خود درارمنستان افزود .

ضمناً امیرتیمورتاش هم که ازطرف ابوسعید بهادر حکومت بلاد شام‌را داشت بنواحی عیسوی‌نشین سرزمین‌خود تاخته وباتفاق امرای ترك‌نژاد این سامان بقوم نصاری آسیب فراوان‌رسید و گروه کثیری‌نیز بهلاکت‌رسیدند.

مصریان شهرآدانا (آدانه)[۹۰] را آتش‌زده وقریب ۲۰هزار نفر از ارامنه را باسارت خود درآوردند .

اخبار وحشت‌انگیز وجانگدازی که در خصوص کشتار مسیحیان و نابودی شهرها ومساکن آنها بدست لشکریان مصر وترکان خونخواربارو پا میرسید بقدری مسیحیان رامتأثرنمود که جملگی حاضر بپرداخت کمك و اعاناتی بوسیله دربار واتیکان بارامنهٔ آسیب‌دیده شدند .

پاپ ژان بیست ودوم که نتوانسته بود بوعدهٔ خود وفاکرده و کمك و همراهی‌لازمی به ارامنه نماید ناچاردر تاریخ ۱۲ ژوئیه سال ۱۳۲۲ میلادی

۹۰- Adana واقع درترکیه

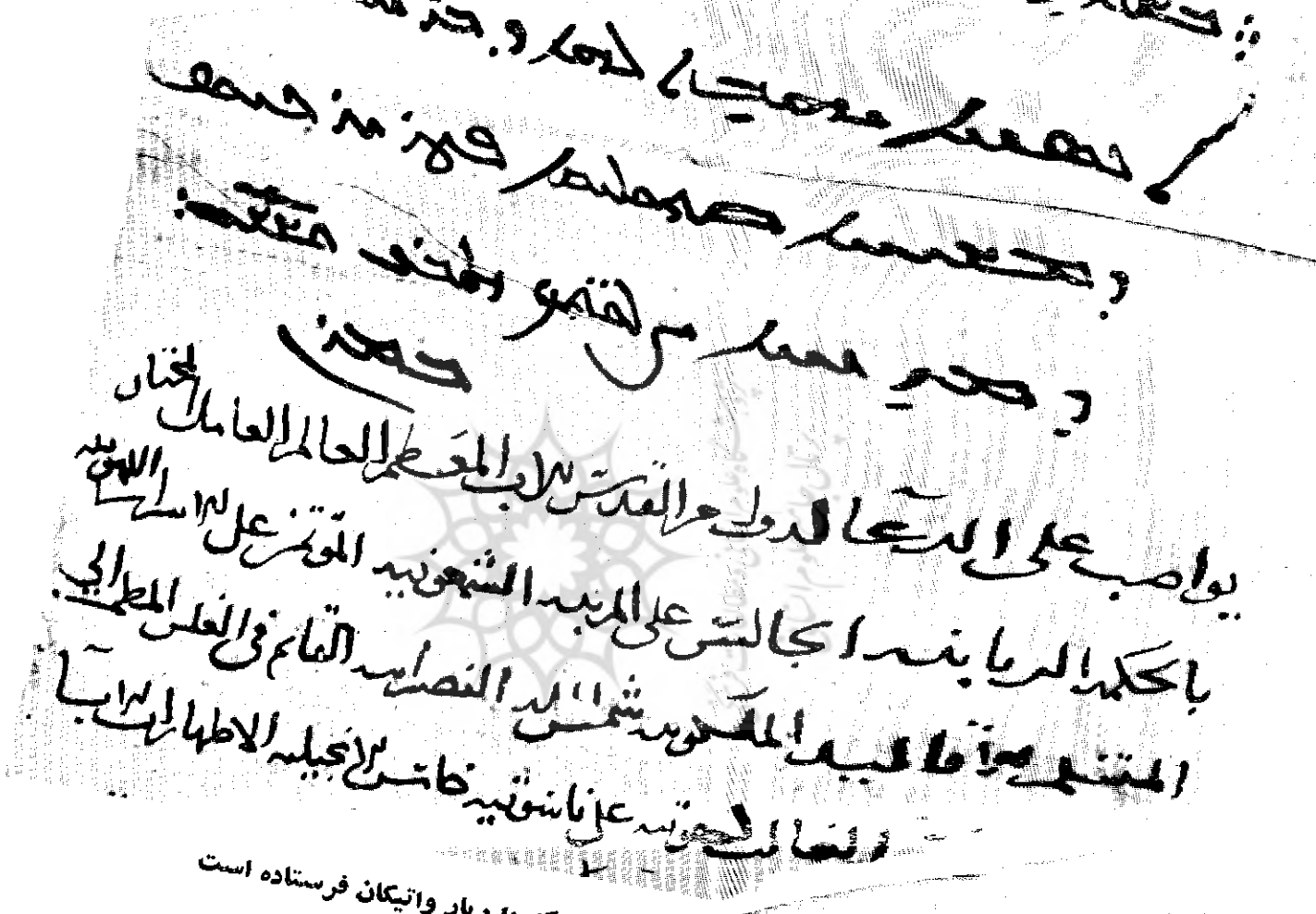

...م که بدربار واتیکان فرستاده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جميع الاباء والرهبان وابناء البيعة الذين تحت ولايته ان يساعدونا

بالادعية الصالحة والصلوات ويرغبوا الى ربنا في ان يتصدق على

بيعته المقدسة بالامن والصلاح ويرزق رعيتها الناطقة السعادة

والفلاح فما التكلان بعد الله الا على صلاة الاب وعالي همته

ولا الملتجي الا الى غزير شفقته ورحمته فالله يفتح ابواب الرحمة لاهل

المعوذية بعز بركاته ويقدم لهم اسباب الخلاص بحول صلواته

واذا سال الاب ادام الله تمكينه عن ايماننا وفحص عن عقيدتنا فانا نؤمن

برب واحد ازلي حكيم حي جواد قادر جوهر واحد ثلثة اقانيم اب

وابن وروح قدس اله واحد الاب والد والابن مولود وروح القدس

[illegible] رب واحد معبود واحد خالق ما يرى وما لا يرى [illegible]

له [illegible] ولا عديل لا تحيط به الافكار ولا تدركه العقول

لاجل ضعف معرفة البشر القاصرة عن ادراك حقيقته قيل ان الاب مثل

النفس والابن مثل الكلمة والروح مثل الحياة ولذلك قال الله في صدر

التوراة هلموا نخلق انسانا على صورتنا ومثالنا ومثل ذلك من المحسوسات

قرص الشمس ونورها وحرارتها الثلثة شمس واحدة

[illegible] الثلثة [illegible] بنور الشمس وكان النفس

ونقر بامامة الاب فافا وتقدمه على جميع ايمة دين [illegible]

ونعترف انه مقام بطروس خليفة سيدنا المسيح على سائر ابنا

البيعة السليحية من مشارق الارض الى مغاربها ونعتقد صدق

[illegible]ه ونعتضد بصلاته ودعائه ونعتقد اسباب رعايته ونطلب

منه المعونة على نوايب الزمان ونوايب الحدثان وان لا يغفل

رعايتنا فانا اخوته بالمسيح واولاده بنسبة الايمان الصحيح

وان يشرفنا بمكاتباته وما يصنع من مهامه وخدماته

وقد حمل القديس الربان يعقوب مشافهة يعرضها على آرائه

فيتصدق بالاصغا اليه والاعتماد في اداء الذمة عنا عليه

[illegible]

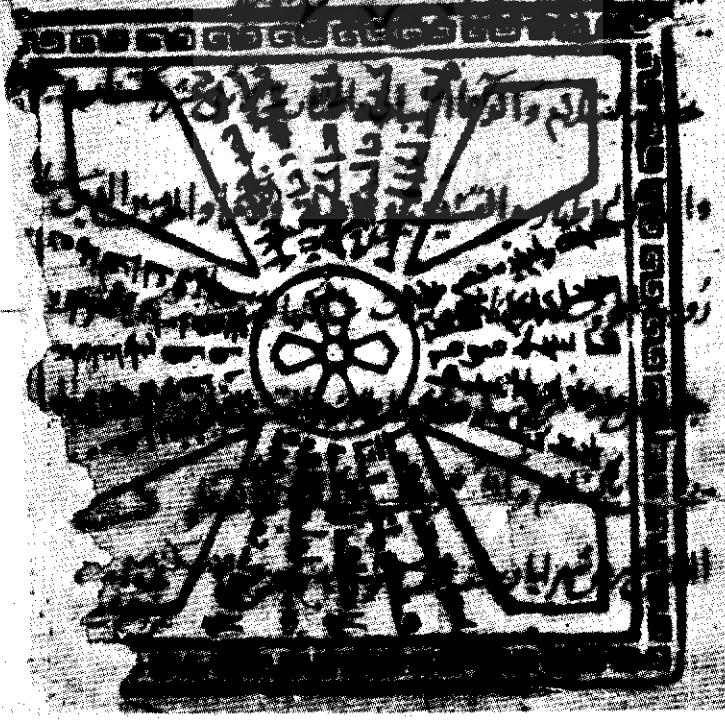

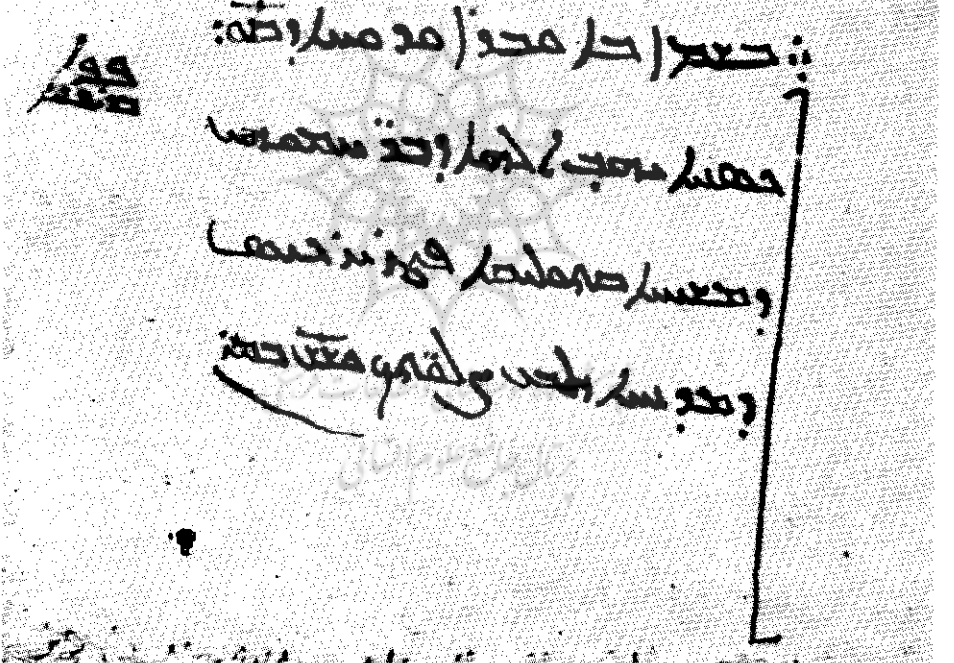

[illegible] IV, [illegible] 9. (2)

Epistola Jahballahae Patriarchae Orientis ad Benedictum [illegible]

[illegible] 1618 (1926) [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

النصرانيه الجالس على كرسي سيدنا شمعون الصفا تذكره

الابا وحاكم الحكام * اشبع الله عليه جلابيب النعم وجرس كافه

المرسومين بصلاته من المصايب والنقم وبعد اخدامه باعذب سلام واصلح

احسن

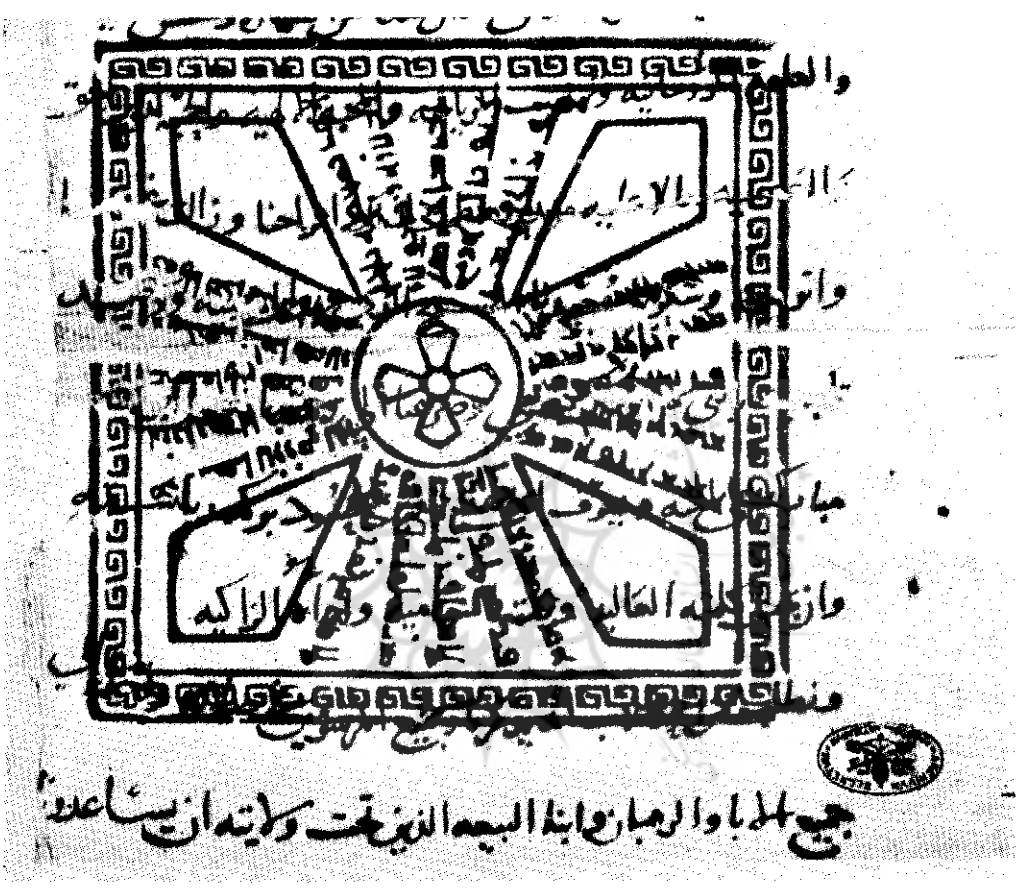

قسمت دوم نامهٔ یهبلاهای سوم

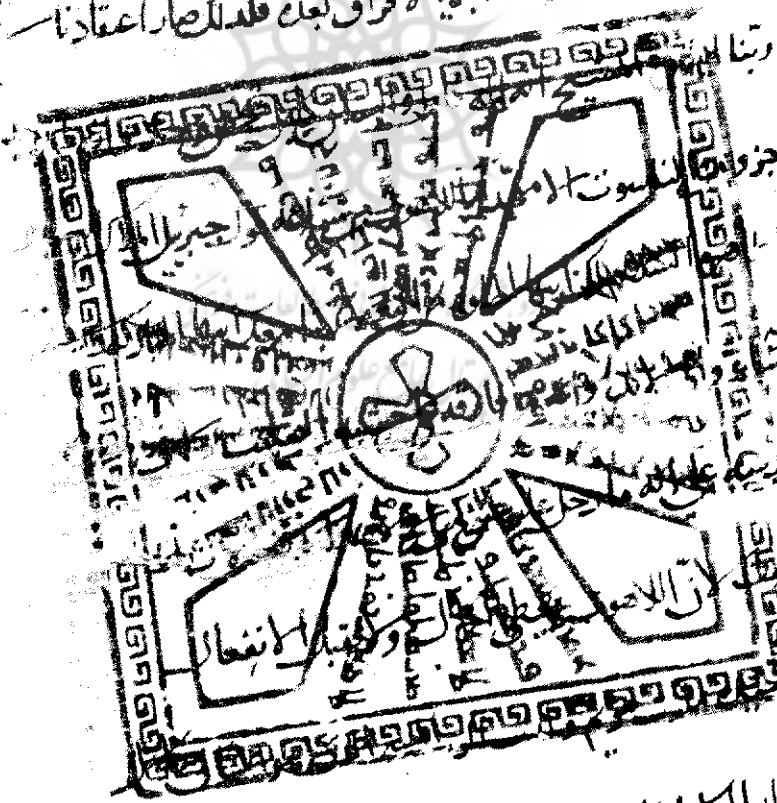

[illegible] الثلثة المثل بنور الشمس

وابن من السيدة الطاهرة انساناً كاملاً لخلاص [illegible] الحق

المبين واتحد به اتحاداً ابدياً لا فراق بعده فلذلك صار اعتقادنا [illegible]

ربنا [illegible]

جزو [illegible] الناسوت الامجد [illegible] جبريل [illegible]

[illegible]

النساء [illegible]

المقدسة [illegible]

الناسوت لان اللاهوت [illegible] الانفعال

وان [illegible]

متحداً بالاله الكامل كما شهد الانجيل المقدس اذ قال الملك للرعاة لقد ولد

لكم اليوم مخلص هو [illegible]

المتسلم الاقاليد الملكوتية شمس الملة النصرانية القائم في الغلس المطمئن الى

حضرة الانس الغالب لاهوتية على ناسوتية خامس الانجيلية الاطهار الابا

وزير الرؤسا الكهنة مارقا فاسبغ الله على كافة البرايا ظل قدسه

وشمل المعتمدون بفيض انعامه واستاره شمسه ولا زالت شموس صعوده

في دواير العز دايرة واقمار اقباله في افلاك الامن سايرة ومطالع

مجده على الانام مشرقة وطوالع سعده بنجوم السعود محدقة امين

الغريب يا بلاها حافظ بيعة السيد المسيح بالمشرق وكرسي

القديس مارتوما وادي وماري يقرئكم السلام ربنا ويطلب من الباري

[illegible] انا الليل واطراف النهار [illegible]

اننا [illegible] الله تعالى وبركاته [illegible] الطيبة [illegible]

[illegible] الطيبة [illegible]

[illegible]

[illegible]

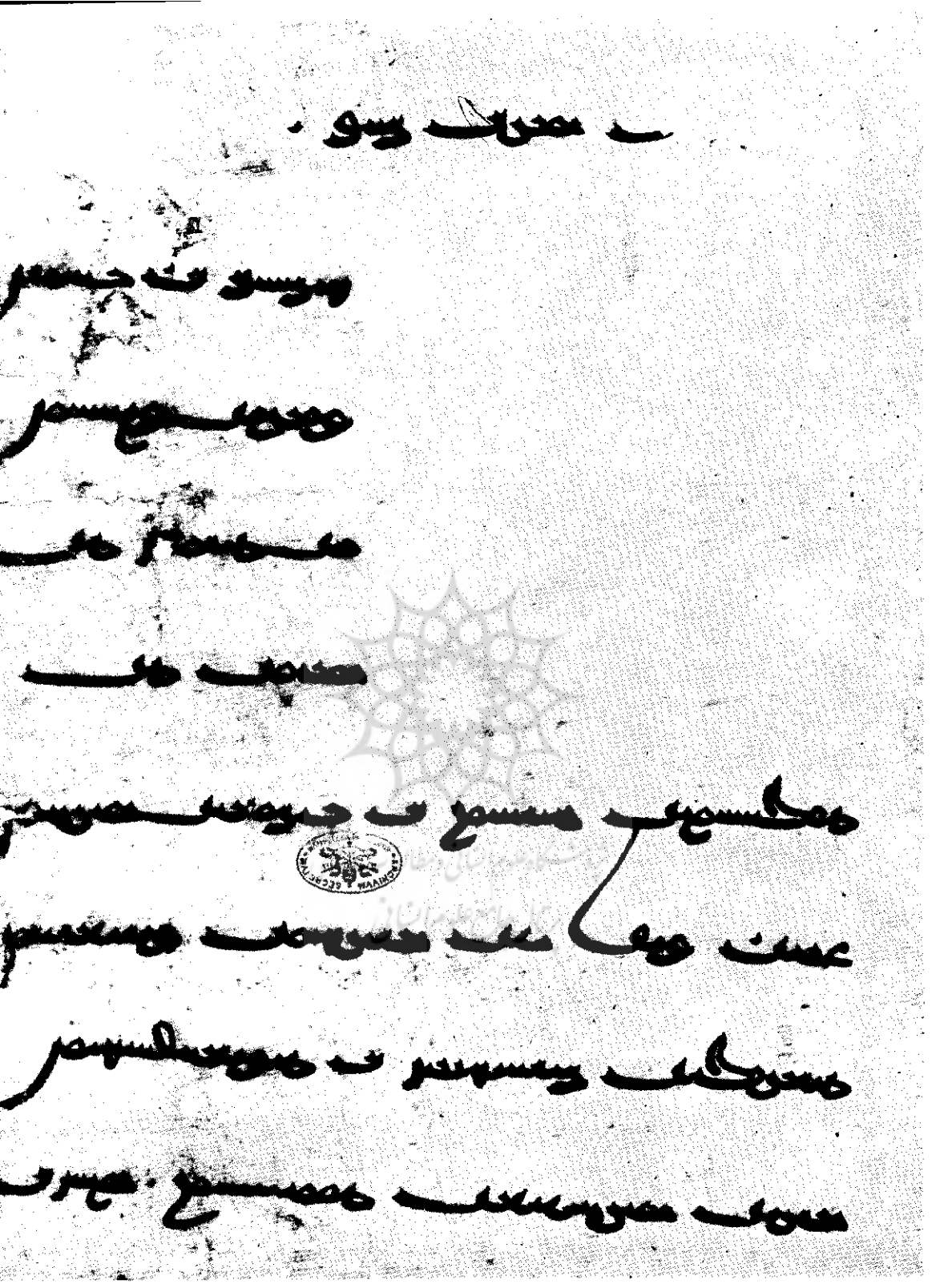

عکس نامهٔ ارغون که بدربار واتیکان ارسال داشته است

جلسه پنجم از باب سوم
بحث در باب مقدمات صحت
صحت در بیع و مقدمات آن
صحت در مبیع و ثمن
صحت در عقد
صحت در متعاقدین
صحت در صیغه

مطابق با۲۷ جمادی‌الثانی ۷۲۲ هجری ازشهرآوین‌یون [۹۱] درفرانسه که‌مقر جدیدپاپ‌ها شده بودنامه‌هائی‌برای ابوسعید بهادر پادشاه مغول ایران ارسال داشت،دراین‌نامه‌هاپس ازذکرروابط دوستی ومودتی که سابقاً میان‌دو کشور بود ویرا بکمك رساندن وهمراهی فوری بارمنستان دعوت‌نمود ومتن‌قسمتی ازنامهٔ پاپ بقرارذیل‌است: [۹۲]

« ما اغلب شنیده‌ایم که اجداد شما که ببزرگواری و بلند همتی مشهور بوده‌اند، سفرائی برای اظهار محبت واحترام عمیق خود بدستگاه روحانی شهررم ودرباروا‌تیکان گسیل داشته‌اند، آنها با پادشاهان اروپاقراردادهای دوستی ومودت منعقد ساخته‌اند، پادشاهان مسیحی وهمچنین اسلاف ما آنها را باشادی وشعف در دربارهای خود پذیرفته‌اند ، اجداد شما واین سلاطین بامبادله پیشکشها وهدایا یکدیگررا مفتخرنموده‌اند.

شما درصورتیکه باما روابط گذشته را تجدید کنید شایستگی‌تان را باعلی درجه خواهیدرساند، ونیزاگرتوسط سفرائی‌ازاینگونه، بتجدیدمراتب دوستی‌خود باپسر بسیارعزیزما درنزد عیسی مسیح پادشاه نام‌آورفرانکها اقدام نمائید موجبات شادی ما را فراهم خواهیدکرد ازخدا میخواهیم که آنچه شمارا خشنود میسازدمقبول طبع‌پروردگار افتد.»

ابوسعید پس ازدریافت نامه‌های پاپ درصدد برآمد که اقداماتی‌درجهت جلب رضای وی انجام دهد مخصوصاً باشاره پاپ دراین اوان نمایندگانی‌نیز ازجانب لئون پادشاه ارمنستان بحضوراوآمده وازوی طلب کمك و مساعدت درمبارزه بامصریان کردند.

۹۱- شهر آوین‌یون Aviynonازسال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۷۷ میلادی مرکزپاپ‌ها بود، پاپ کلمان‌پنجم که‌ازروحانیون فرانسوی بود درسال ۱۳۰۹ شهر آوین‌یون را مرکز روحانی خودقرارداد وپس ازوی ژان ۲۲ وبنوای دوازدهم وکلمان‌ششم واینوسان‌ششم درآوین‌یون اقامت گزیدند. سرانجام درسال۱۳۷۷ گرگوار یازدهم باصرارمردم ایتالیا بروم بازگشت، درواتیکان‌مقرپاپ‌ها اقامت کرد.

۹۲- نقل ازتاریخ مغول ـ دوسون جلد چهارم ص ٦٦٢

سلطان ابوسعید بااینکه ازمدتها پیش باپادشـاه مصر روابط حسنه‌ای برقرار کرده بود معهذا مایل نبود که بارامنه رنج و آزاری برسد لذا نامه‌ای بسلطان‌مصر نوشت‌واورا بانعقادقرارداد صلحی‌باپادشاه ارمنستان دعوت کرد.

ازطرفی‌برای اینکه خواهش پاپ ژان بیست ودوم را اجابت کرده‌باشد سپاهی بیست هزارنفری برای کمك بارامنه بخطه ارمنستـان گسیل داشت خوشبختانه پس ازاین تاریخ دیگر هیچگونـه نزاعی بین‌ارامنـه ومصریان بوقوع نپیوست تا قوای ایلخانی درآن مداخله نماید.

پیشوای مسیحیان‌ارمنستان‌چون از کمك ومساعدت‌پاپ نومید شدچاره رادرصلح وآشتی‌بامصریان دیدوخودبشخصه‌باالملك‌الناصر پادشاه‌مصر ملاقات کرده ومعاهده‌ای‌بمدت ۱۵سال بین طرفین منعقد گشت (۷۲۹هجری قمری).

برطبق‌این‌قرارداد‌لئون پنجم‌پادشاه ارمنستان حاضرشد که تحت‌قیمومت وتبعیت پادشاه مصرباشد وسرزمین خودرا تحت‌الحمایه‌آنکشوربداند.

بااین ترتیب ملاحظه میکنیم که جز مسأله ارمنستان مورد دیگری‌پیش نیامد تا بین دربار ایران و واتیکان مبادلهٔ سفرا ومراسلات برقرار گردد از روحانیون بزرگی که در زمان سلطان ابوسعید بایران مسافرت کرده‌اند میتوان از فرانسوا دو پـروز [۹۳] نام بـرد. این کشیش از جانب پاپ ژان بیست و دوم برای ساختن کلیسائی در شهر سلطانیه عازم ایران شد وپس از ورود باین کشور رسماً ازجانب ایلخان بریاست روحانی مسیحیان ایران و ممالك مجاورمنصوب گردید و از سال ۷۱۸ هجری تا ۷۲٤ در ایران مشغول انجام وظیفه بود تا بجای دیگری مامورشد.

پس ازدرگذشت‌ابوسعید بهادر (۷۳٦هجری) بعلت نزاع و کشمکشهای طولانی بر سرجانشینی وی اوضاع آنچنان آشفته‌ای بوجود آمد که ده‌هـا سال ادامه داشت وبالاخره منجربتجزیه دولت ایلخانی گردید.

ازتجزیه‌دولت‌ایلخانی‌سلاله‌های کم‌اهمیتی‌درنقاط‌مختلف‌ایران‌پیداشد که یکی‌پس ازدیگری‌بوسیله‌یورشهای پیاپی تیمور ازصفحه روزگارمحو گردید

93- Francois de Peruse